

# فرهنگ اندونزی

نویسنده: CLARKE. Cunningham

مترجم: گروه ترجمه صراط

## چکیده:

در این مقاله که برگرفته از دایره المعارف فرهنگ کشورهای است،<sup>1</sup> با بررسی عناوین و موضوعات متداول به فرهنگ اندونزی پرداخته است: برخی از این موضوعات عبارتند از: هویت فرهنگی، وابستگی زبانی، روابط قومی و نژادی، تجارت، طبقه بندی اجتماعی، مسائل جنسیتی، ازدواج، خانواده و خویشاوندی، آداب معاشرت، اعتقادات دینی، مراسم و جشن ها، هنر و علوم انسانی.

## کلید واژگان:

اندونزی، فرهنگ، روابط قومی، هویت ملی.

---

<sup>1</sup> The Encyclopedia Of Countries And Their Cultures.

## نام فرهنگی اندونزیایی - کشور اندونزی آشنایی مقدماتی

### هویت

جمهوری اندونزی، چهارمین کشور پرجمعیت جهان، با ۲۰۳ میلیون نفر، نزدیک به هزار جزیره مسکونی دارد. در حدود دویست تا سیصد گروه نژادی مختلف با زبان و لهجه‌های مختص به خود در این جمعیت دیده می‌شوند که از جمله آنها میتوان به جاوه‌ای ها<sup>۱</sup> ( در حدود ۷۰ میلیون نفر ) و سوندایی ها<sup>۲</sup> ( ساکنان جزیره سوندا<sup>۳</sup>، در حدود ۳۰ میلیون نفر ) در منطقه جاوه<sup>۴</sup> اشاره کرد. تمدن و فرهنگ ملی جامعه اندونزی تا حدی مشابه تمدن و فرهنگ چندگانه جامعه هند بوده و ریشه در جوامع کهن و روابط میان اقوام و نژادهای مختلف داشته و در منازعات ملی گرایانه قرن بیستم در برابر امپریالیسم اروپایی، که به هر حال باعث کوبیده شدن ملت و بسیاری از رسوم آن شد، توسعه یافته است. فرهنگ ملی مردم اندونزی به راحتی در شهرهای این کشور قابل شناسایی بوده و البته جنبه‌هایی از این فرهنگ به حومه شهرها نیز کشیده شده است. مرزهای کشور اندونزی همان مرزهای جزایر کشور هلند در منطقه جنوب شرقی آسیاست<sup>۵</sup> که در آغاز قرن بیستم به طور کامل مشخص شدند. این درحالی است که امپریالیسم هلند مدت‌ها پیش در قرن هفدهم ایجاد شده است. فرهنگ مردم این کشور دارای ریشه‌های تاریخی، رسوم و ارزش‌های کهن و دربردارنده عقایدی است که بسیاری از مردم این کشور بدان معتقدند و در عین حال، از اوایل قرن بیست و یکم تلاش ویژه‌ای در این کشور برای تاکید و ترویج بیشتر بر این اعتقادات و رسوم آغاز شده است.

نام کشور اندونزی که به معنای جزایر هندی<sup>۶</sup> می‌باشد، توسط فردی انگلیسی به نام جی. آر. لوگان<sup>۷</sup> در سال ۱۸۵۰ در مالایا<sup>۸</sup> ابداع شده است. این نام که برگرفته از واژه‌های یونانی " ایندوس"<sup>۹</sup> - به معنای هندوستان - و " نسوس"<sup>۱۰</sup> - به معنای جزیره - می‌باشد، دارای مشابهت‌های زبانی با " ملانزیان"<sup>۱۱</sup> - به معنای جزایر سیاه - " مایکرونزی"<sup>۱۲</sup> - به معنای

<sup>۱</sup> Javanese  
<sup>۲</sup> Sundanese  
<sup>۳</sup> Sunda  
<sup>۴</sup> Java  
<sup>۵</sup> Netherlands East Indies  
<sup>۶</sup> Indian Islands  
<sup>۷</sup> J. R. Logan  
<sup>۸</sup> Malaya  
<sup>۹</sup> Indos  
<sup>۱۰</sup> nesos  
<sup>۱۱</sup> Melanesia  
<sup>۱۲</sup> Micronesia

جزایر کوچک - و " پلینیزیا " <sup>۱</sup> - به معنای جزایر بسیار - می‌باشد. آدولف باشتین <sup>۲</sup>، جغرافی دان آلمانی، نام " میکرونزیا " را در سال ۱۸۸۴ برای کتاب خود " ایندونزین " <sup>۳</sup> انتخاب کرد و در سال ۱۹۲۸ ملی گرایان این نام را برای کشور خود برگزیدند.

بیشتر جزایر این کشور دارای جمعیتی از نژادها و قومیت‌های مختلف بوده و گروه‌های بزرگ و کوچک بسیاری در نواحی مختلف این جزایر زندگی می‌کنند. شهرک‌های موجود در این مناطق، محل زندگی قومیتی است که جمعیت بیشتری دارد و بعضی از اعضای گروه‌های مهاجر به این مناطق نیز ساکن این گونه شهرک‌ها هستند. شهرهای بزرگ این کشور میزبان گروه‌های قومی و نژادی بسیاری بوده و در بعضی از شهرها تعداد اعضای یک قومیت بیشتر از بقیه می‌باشد. مناطقی مثل سوماترای غربی <sup>۴</sup> و سولاوسی جنوبی <sup>۵</sup> در طول قرن‌ها به واسطه ی عوامل جغرافیایی، مثل رودخانه ها، بنادر، جلگه‌ها و کوهستان ها، روابط تاریخی مردم و خط مشی‌های سیاسی - مدیریتی، ایجاد شده‌اند. بعضی دیگر از مناطق مثل سوماترای شمالی <sup>۶</sup>، سولاوسی جنوبی و جاوه شرقی <sup>۷</sup> به لحاظ جمعیتی، مخلوطی از قومیت‌های مختلف بوده و سایر مناطق، مثل سوماترای جنوبی <sup>۸</sup>، بالی <sup>۹</sup> و آچه <sup>۱۰</sup> یک پارچگی قومیتی بیشتری دارند. بعضی از مناطق این کشور، مثل سوماترای جنوبی، کالیمانتان جنوبی <sup>۱۱</sup> و سولاوسی جنوبی از مدت‌ها پیش به واسطه داشتن مرزهای جغرافیایی مشترک میان مسلمانان و مالایی ها، دارای اشتراکات فرهنگی بسیاری، از هنر، نوع پوشش، طبقه بندی سیاسی و اجتماعی گرفته تا نوع گرایش مذهبی هستند. مردمی که در نواحی بالاتر این مناطق زندگی می‌کنند گرایش‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی متفاوت تری دارند، اما به ناچار خود را بخشی از جمعیت این مناطق می‌دانند. بسیاری از این مناطق مثل سه منطقه آخری که معرفی شدند، استان‌های رسمی و دولتی شناخته می‌شوند و سایر مناطق، مثل منطقه بالی، به مثابه یک استان رسمی کشور محسوب نمی‌شوند.

<sup>۱</sup> Polynesia

<sup>۲</sup> Adolf Bastian

<sup>۳</sup> Indonesien

<sup>۴</sup> West Sumatra

<sup>۵</sup> South Sulawesi

<sup>۶</sup> North Sumatra

<sup>۷</sup> East Java

<sup>۸</sup> South Sumatra

<sup>۹</sup> Bali

<sup>۱۰</sup> Aceh

<sup>۱۱</sup> South Kalimantan

## موقعیت و جغرافیا

کشور اندونزی، بزرگ ترین مجمع الجزایر جهان، در طول منطقه استوا و در نواحی گرم و مرطوب کشیده شده است و همانند ایالات متحده آمریکا که از غرب به شرق امتداد یافته، در حدود ۲۳۰۰ مایل ( ۳۷۰۰ کیلومتر ) گستردگی شرق به غرب دارد. این کشور جز در منطقه‌ای که با مالزی شرقی<sup>۱</sup> و برونی<sup>۲</sup> در بورنیو<sup>۳</sup> (کالیمانتان)، با گینه جدید پاپوا<sup>۴</sup> در گینه جدید و با تیمور لورو سائو<sup>۵</sup> در تیمور دارای مرز جزیره‌ای مشترک دارد، در بقیه مناطق توسط اقیانوس ها، دریاها و تنگه‌ها احاطه شده است. مالزی غربی<sup>۶</sup> در طول تنگه مالاکا<sup>۷</sup>، کشور فیلیپین در شمال شرق و استرالیا در جنوب این کشور قرار دارند.

موقعیت جغرافیایی مجمع الجزایر اندونزی، نقش مهمی در پیشرفت‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و دینی این منطقه داشته و کشتی‌های تجاری از دوهزار سال پیش از طریق آبها و جزایر این منطقه میان کشور هند و چین رفت و آمد داشته‌اند. علاوه بر فراهم کردن بستر تجارت میان کشورهای مختلف، این جزایر خود محلی برای تولید محصولات هم چون ادویه جات و کالاهای تجاری به دست آمده از جنگل‌های این منطقه هستند. بادهای موسمی شرقی و غربی در این منطقه موجب شده تا این جزایر، محلی برای توقف موقت بازرگانان و سایر افراد از ملیت‌های مختلف گردد؛ افرادی که زبان، عقاید سیاسی، هنر و تفکرات دینی و مذهبی خود را برای مردم این منطقه به ارمغان آورده اند، نتیجه این رفت و آمدهای تجاری بسیار، ایجاد امپراتوری‌های کوچک و سپس بزرگ در این منطقه بوده است. مدت‌ها بعد، ظهور کشتی‌های بخار موجب شد تا الگوهای تجارت در این منطقه تغییر کند، اما موقعیت استراتژیک و تعیین کننده این منطقه میان آسیای شرقی و جنوبی و منطقه خاورمیانه همچنان باقی مانده است.

کشور اندونزی متشکل از تمام و یا بخشی از بزرگ ترین جزیره‌های جهان، یعنی سوماترا، جاوه، بخش زیادی از کالیمانتان (بورنیو)، سولاوسی (سلبز<sup>۸</sup>)، هالاماهرا<sup>۹</sup> و نیمه غربی گینه نو (پاپائو) و نیز تعداد زیادی جزیره کوچک تر، که " بالی " ( دقیقاً در شرق جاوه ) معروف ترین آنهاست، می‌باشد. این جزایر به علاوه تعدادی جزیره دیگر، دارای قله‌هایی به بلندی ۹۰۰۰ پا (۲۷۰۰ متر) و یا بیشتر و در حدود ۴۰۰ آتشفشان بوده که صد مورد از آنها در حال حاضر فعال می‌باشند؛ به عنوان مثال بین سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۹۰، ۲۹ مورد فوران آتشفشانی در این منطقه ثبت شده است که بعضی از آنها فجایع بزرگی نیز آفریده‌اند. گدازه‌ها و خاکسترهای

<sup>۱</sup> East Malaysia

<sup>۲</sup> Brunei

<sup>۳</sup> Borneo

<sup>۴</sup> Papua New Guinea

<sup>۵</sup> Timor Loro Sae

<sup>۶</sup> West Malaysia

<sup>۷</sup> Straits of Malaka

<sup>۸</sup> Celebes

<sup>۹</sup> Halamahera

آتشفشانی این آتشفشان‌ها وارد خاک حاصلخیز سوماترای شمالی و جاوه و بالی شده و هزاران سال است که موجب رشد تولید برنج در این منطقه می‌باشد.

جزایر داخلی جاوه، مادورا<sup>۱</sup> و بالی، مرکز جمعیتی و جغرافیایی این مجمع‌الجزایر می‌باشند. جاوه، یکی از پرجمعیت‌ترین نقاط دنیا - با ۲۱۰۸ نفر جمعیت در هر مایل مکعب ( ۸۱۴ نفر در هر کیلومتر مربع ) در سال ۱۹۹۰- ۷۸ درصد زمین‌های این منطقه را به خود اختصاص داده و در مجموع ۶۰ درصد جمعیت کشور اندونزی در این جزیره زندگی می‌کنند ( وسعت جاوه به اندازه ایالت نیویورک آمریکا و جمعیت آن برابر با ۴۰ درصد جمعیت ایالات متحده می‌باشد ). جزایر خارجی که به صورت کمانی به دور جزایر داخلی در غرب، شمال و شرق آنها قرار گرفته‌اند، دربردارنده حدود ۹۰ درصد جمعیت منطقه و در حدود ۴۲ درصد جمعیت کشور اندونزی هستند. فرهنگ‌های موجود در جزایر داخلی به نسبت مناطق دیگر، نزدیکی و مشابهت بیشتری داشته و فقط ۴ گروه فرهنگی اصلی را تشکیل می‌دهند: سوندانی‌ها - در جاوه غربی - جاوه‌ای‌ها - در جاوه مرکزی و شرقی - مادوری‌ها<sup>۲</sup> - در منطقه مادورا و جاوه ی شرقی - و بالی‌ها<sup>۳</sup> - در منطقه ی بالی - جزایر خارجی دارای هزاران گروه زبانی قومیتی می‌باشند.

بخش زیادی از جنگل‌های جزایر داخلی که زمانی بسیار انبوه بوده‌اند، اکنون از میان رفته‌اند. در منطقه پائتوی غربی و سوماترا هنوز هم جنگل‌های انبوه وجود دارند، اما این جنگل‌ها نیز به واسطه پراکندگی زیاد جمعیت و قطع درختان برای مصارف خانه سازی و صادرات، در خطر نابودی بوده و زمین‌های پایین این جنگل‌ها نیز چندان حاصل خیز نیستند. بعضی از جزایر شرقی، مثل سولاوسی و لسر سونداس<sup>۴</sup> - در غرب بالی - نیز جنگل‌های سابق خود را از دست داده‌اند.

در کشور اندونزی دو نوع کشاورزی وجود دارد: کشت برنج، ذرت و سایر محصولات با روش آبیاری دائمی<sup>۵</sup> و با روش کشت چرخشی<sup>۶</sup> ( در هر فصل از سال یک محصول خاص در زمین کاشته و محصول آن برداشت می‌شود، سپس علف‌های زائد برجای مانده از کشت قبل را سوزانده و بذر محصول جدید را می‌پاشند ). نوع اول بیشتر در مناطق جاوه، بالی و زمین‌های مرتفع حاشیه ساحل غربی سوماترا و نوع دوم در سایر بخش‌های سوماترا و جزایر خارجی دیگر صورت می‌گیرد. زمین‌هایی که همیشه با آب باران تغذیه می‌شوند بیشتر در منطقه سولاوسی و بعضی مناطق دیگر قرار داشته و بسیاری از مناطق نیز دارای خاک حاصل خیز برای کشت سبزی جات، میوه‌های استوایی، نخل ساگو و سایر محصولات جنگلی بوده و کشت قهوه، چای،

<sup>۱</sup> Madura

<sup>۲</sup> Madurese

<sup>۳</sup> Balinese

<sup>۴</sup> Lesser Sundas

<sup>۵</sup> sawah

<sup>۶</sup> ladang

تنباکو، نارگیل و نیشکر برای مصارف تجاری، هم در جزایر داخلی و هم در جزایر خارجی صورت می‌گیرد. محصولات مثل هویج و روغن خرما (روغن نخل) بیشتر در منطقه سوماترا و قهوه، شکر و چای بیشتر در جاوه یافت می‌شوند. ادویه جاتی مثل ادویه گل میخک، ادویه جوز و فلفل عمدتاً در جزایر خارجی و به ویژه در جزایر شرقی رشد می‌کنند. استان مالوکو<sup>۱</sup> ( نام این استان سابقاً مولوکاس<sup>۲</sup> بوده است ) در حال حاضر به واسطه اهمیت تجارت این ادویه جات به نام "جزایر ادویه"<sup>۳</sup> شناخته می‌شود. طلا، قلع و نیکل از معادن موجود در منطقه سوماترا، بانگکا<sup>۴</sup>، کالیمانتان، سلاوسی و پاپائو برای مصرف در بازارهای داخلی کشور و صادرات به کشورهای دیگر استخراج شده و نفت و گاز طبیعی مایع - بویژه در منطقه سوماترا - از جمله کالاهای صادراتی مهم این منطقه‌اند. رودخانه‌های زیادی از کوهستان‌ها و جنگل‌های موجود در این منطقه به جلگه‌های ساحلی جاری شده و سالیان درازی است که محصولات کشاورزی و جنگلی از بنادر این منطقه به نواحی دیگر حمل می‌شوند که موجبات ارتباط فرهنگ‌های مختلف را نیز فراهم کرده‌اند.

### جمعیت شناسی

جمعیت کشور اندونزی از ۱۱۹۲۰۸۰۰۰ نفر در سال ۱۹۷۱ به ۱۴۷۵۰۰۰۰۰ در سال ۱۹۸۰ و ۱۷۹۳۰۰۰۰۰ در سال ۱۹۹۰ و نهایتاً ۲۰۳۴۵۶۰۰۰ در سال ۲۰۰۰ افزایش یافته است. در این مدت نرخ زاد و ولد در این کشور از ۴/۶ درصد در هر هزار زن به ۳/۳ درصد کاهش داشته و نرخ مرگ و میر نیز به میزان ۲/۳ درصد در هر سال کاهش داشته و بالاخره نرخ مرگ و میر نوزادان نیز در این کشور از ۹۰/۳ درصد در هر هزار تولد به ۵۸ درصد رسیده است. این گونه پیش بینی شده است که نرخ زاد و ولد در طول دهه بعد به ۲/۱ درصد کاهش یافته و جمعیت کل کشور نیز به ۲۵۳۷۰۰۰۰۰ نفر تا سال ۲۰۲۰ برسد. در اواسط قرن بیستم بیشتر جمعیت کشور اندونزی در مناطق روستایی زندگی می‌کردند و اکنون که در ابتدای قرن بیست و یکم قرار داریم در حدود ۲۰ درصد جمعیت سابق روستائی در شهرک‌ها و شهرها زندگی کرده و ۳ نفر از هر ۵ نفر آنها به کشاورزی مشغول‌اند.

تعداد شهرهای جزایر داخلی و خارجی رشد سریعی داشته و در حال حاضر مجموعاً ۲۶ شهر با جمعیت بیش از ۲۰۰۰۰۰ نفر در این کشور وجود دارند. جمعیت کشور اندونزی نیز هم چون بسیاری از کشورهای در حال توسعه، جمعیتی جوان می‌باشد. این الگوی جمعیتی یک الگوی ملی بوده، اما تفاوت‌های منطقه‌ای و قومیتی بسیاری نیز در این الگو دیده می‌شود. جمعیت این کشور در مناطق مختلف به واسطه عواملی همچون شرایط اقتصادی و استانداردهای زندگی، نوع تغذیه، وجود بهداشت عمومی و برنامه‌های تنظیم خانواده و بالاخره

<sup>۱</sup> Maluku

<sup>۲</sup> Moluccas

<sup>۳</sup> "Spice Island"

<sup>۴</sup> Bangka

ارزش‌ها و آموزش‌های فرهنگی، روندهای رشد مختلفی را داشته است. در کشور اندونزی هنوز هم مسئله مهاجرت، از عوامل ایجاد نوسان در جمعیت کشور است. مهاجرت‌های افزایش یافته دائمی و فصلی به شهرها در دهه ۸۰ و ۹۰ همراه با توسعه اقتصادی این شهرها بوده، اما نرخ مهاجرت بین مناطق روستایی، مثلاً از سولاوسی جنوبی به سوماترای مرکزی و کالیمانتان شرقی برای کسب مشاغل بهتر و فرصت‌های کشاورزی بیشتر نیز بسیار قابل توجه می‌باشد.

### وابستگی زبانی

تقریباً تمام سیصد تا چهارصد زبان موجود در اندونزی جزو خانواده زبان‌های "آسترونزیایی"<sup>۱</sup> هستند که از مالزی گرفته تا فیلیپین، از شمال تا تپه‌های ویتنام، تایوان، پلینزی و مردم هاوایی و مائوری‌های نیوزیلند، همه به این زبان‌ها سخن می‌گویند. زبان‌های موجود در این کشور برای همه مردم این منطقه قابل فهم نیست، البته بعضی از زیرگروه‌های زبانی در مقایسه با دیگر موارد، شباهت بیشتری به هم دارند (زبان‌های نئولاتیینی اروپایی<sup>۲</sup> در مقایسه با زبان‌های آلمانی که هر دو از خانواده زبان‌های هند و اروپایی هستند نزدیکی بیشتری با یک دیگر دارند). بعضی از این زیرگروه‌های زبانی دارای زیرگروه‌های دیگری نیز هستند که برای یک دیگر قابل فهم نبوده و بسیاری از آنها لهجه‌های محلی نیز دارند. دو مورد از زبان‌های رایج در این منطقه، که یکی در منطقه هالمه‌رای<sup>۳</sup> شمالی و دیگری در تیمور غربی مورد استفاده قرار می‌گیرد، جزو خانواده زبانی آسترونزیایی نبوده و مثل زبان "باسکو"<sup>۴</sup> در اروپا ارتباطی با سایر زبان‌های شناخته شده ندارند. به علاوه، بسیاری از زبان‌های رایج در منطقه پاپائو نیز جزو خانواده زبانی "آسترونزیایی" نیستند.

زبان اول بیشتر مردم اندونزی، زبان محلی آنها می‌باشد. در سال ۱۹۲۳ زبان مالای<sup>۵</sup> (این زبان با زبان "باهاسا"<sup>۶</sup> که زبان رسمی کشور مالزی می‌باشد، متفاوت است) به عنوان زبان ملی در انجمن ملی گرایان کشور اندونزی انتخاب شد، اما فقط بخش کمی از جمعیت ساکن در منطقه سوماترا - که در حاشیه ی تنگه ی مالاکا زندگی می‌کنند - به این زبان به منزله زبان اول خود صحبت می‌کنند. اما به هر حال این انتخاب به دو دلیل مستند می‌باشد: نخست این که زبان مالایی مدت‌ها به عنوان زبان تجاری و دولتی مردم این کشور بوده و قومیت‌های مختلف این منطقه را به یک دیگر نزدیک کرده است. بازرگانان و مردم محلی که از قومیت‌های مختلف بوده‌اند در بنادر و مناطق داخلی این کشور از گونه‌ای ساده شده از این زبان، به نام "زبان

<sup>۱</sup> Austronesian

<sup>۲</sup> Europe's Romance

<sup>۳</sup> Halmahera

<sup>۴</sup> Basque

<sup>۵</sup> Malay

<sup>۶</sup> Bahasa Malaysia

مالایی بازاری<sup>۱</sup> استفاده می‌کرده اند. حکومت‌های استعماری حاکم بر مالایای انگلیسی<sup>۲</sup> و جزایر شرقی هلند، در اسناد و مکتوبات رسمی و گفت و گوهای خود از زبان مالایی سطح بالا استفاده می‌کرده و مبلغان مسیحی نیز کتاب مقدس را بار اول به این زبان برگردانده اند. دوم این که ملی‌گرایان این کشور در تمام نقاط این مجمع‌الجزایر بر این باورند که ارزش یک زبان ملی به این نیست که یک گروه بزرگ از مردم بدان زبان صحبت کنند - منظور آنها از این گروه بزرگ، مردم جاوه می‌باشد - زبان باهاسا در حال حاضر، زبان دولت، مدارس، دادگاه ها، انتشارات و رسانه‌های جمعی، ادبیات و فیلم و روابط میان قومیتی در این منطقه بوده و به علاوه، جوانان این کشور برای این زبان اهمیت ویژه‌ای قائلند و برای خود، واژگانی عامیانه در این زبان دارند. در خانه ها، - مردم به زبانی بومی - که اغلب مورد استفاده قرار می‌گیرد - صحبت می‌کنند و خارج از محیط خانه در مناطقی که قومیت‌های مختلف در کنار هم زندگی می‌کنند، زبان اندونزیایی مورد استفاده قرار می‌گیرد - در بیشتر نواحی منطقه جاوه که از یک زبان استفاده می‌شود، زبان جاوه‌ای نیز خارج از خانه کاربرد دارد - در کشور اندونزی در بعضی مناطق روستایی، زبان‌های بومی برای آموزش محصلان کلاس سوم به بالا مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. در حال حاضر در این کشور، مانند دوران استعمار، آثار ادبی به زبان بومی یافت نمی‌شوند. بسیاری از مردم این کشور از ضعف شدن زبان‌های بومی این منطقه که ارتباطی قوی با فرهنگ‌های بومی دارند، احساس تاسف کرده و از این مسئله می‌ترسند که مبدا مدرنیت در جامعه موجب از میان رفتن این زبان‌ها و فرهنگ‌ها شود، با این حال، تلاش کمی نیز برای صیانت از این عناصر فرهنگی می‌شود. نسل سال خورده و کم تعداد دانش آموخته جامعه اندونزی که به زبان هلندی صحبت می‌کردند، در حال انقراض هستند. در حال حاضر بیشتر جوانان و افراد میان سال جامعه اندونزی، از جمله دانش آموزان و معلمان تاریخ، که نمی‌توانند بیشتر تاریخ مستند این مجمع‌الجزایر را مطالعه کنند، هیچ شناختی از زبان هلندی ندارند. در اندونزی، زبان انگلیسی دومین زبان رسمی کشور است که در مدارس و دانشگاه‌های این کشور، با میزان گرایش و اقبال مختلف به این زبان، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### نمادها

شعار ملی این کشور " بینکا تونگال ایکا<sup>۳</sup> "، عبارتی قدیمی به زبان جاوه‌ای می‌باشد که معمولاً این گونه ترجمه می‌شود: " وحدت در تنوع ". ایدئولوژی رسمی و ملی این کشور که برای نخستین بار توسط رئیس‌جمهور سوکارنو<sup>۴</sup> در سال ۱۹۴۵ تنظیم شده و "پانچالیسا<sup>۵</sup>" نام دارد، متشکل از پنج اصل اساسی می‌باشد: اعتقاد به خدای واحد، بشردوستی عادلانه و متمدانه، وحدت اندونزی، حکومت مردم از طریق اجرای سیاست‌های خردمندانه به واسطه

<sup>۱</sup> Market Malay

<sup>۲</sup> British Malaya

<sup>۳</sup> Bhinneka Tunggal Ika

<sup>۴</sup> Sukarno

<sup>۵</sup> Pancasila



سنجش آرای عمومی و نمایندگی و بالاخره عدالت اجتماعی برای تمام مردم اندونزی. از همان ابتدای تشکیل کشور اندونزی، همگان این کشور را وارث جزایر شرقی هلند می‌دانستند و با این که جزیره پایای غربی تا سال ۱۹۶۲ هنوز تحت استعمار هلند قرار داشت، اندونزی تلاش و مبارزهای بین‌المللی و موفق برای ایجاد صلح و آرامش در این منطقه آغاز کرد. اشغال منطقه تیمور شرقی در سال ۱۹۷۵ که زمانی تحت سلطه پرتغال بود، با این تفکر صلح جویانه و بنیادین که در ایدئولوژی اندونزی مطرح شده، در تضاد می‌باشد؛ تضادی که سازمان ملل هرگز پرده از آن برداشته است. کشور اندونزی بعد از دو دهه ستیز و کشمکش تلخ، در نهایت این منطقه را بازپس گرفت.

از سال ۱۹۵۰ سرود ملی کشور اندونزی و سایر سرودهای رایج در این کشور توسط کودکان در سرتاسر کشور در روز بازگشایی مدارس، توسط کارمندان دولت در مراسم به اهتزاز درآمدن پرچم کشور، هنگام آغاز و پایان برنامه‌های رادیو، در سینما و تلویزیون و در جشن‌های ملی کشور خوانده می‌شوند. رادیو و تلویزیون کشور اندونزی، که از نیمه دوم قرن بیستم به بعد دولت مالکیت و کنترل آن را در دست داشته است، برنامه‌هایی ملی و متنوع، مثل آموزش زبان اندونزیایی، رقص‌ها و آوازهای محلی و بومی و تئاتر و نمایش‌هایی با موضوعات ملی، تولید و پخش می‌کند. در کتاب‌های درسی مدارس کشور اندونزی، از "قهرمان‌های ملی" این کشور، از مناطق مختلف، گرامی داشته می‌شوند و شرح زندگی و تصاویری از مبارزه‌های آنها در برابر حکومت استعمارگر هلند در کتاب‌ها قرار داده شده است؛ حتی در بعضی از مناطق، یادبودهایی از قهرمانان محلی نیز وجود دارد.

## تاریخ و روابط قومی و نژادی

### پیدایش ملت

با این که قدمت جمهوری اندونزی فقط به پنجاه سال می‌رسد، جوامع قدیمی این کشور، تاریخی طولانی داشته و فرهنگ‌های محلی و گسترده تری در این سال‌ها ایجاد شده‌اند. در حدود سال ۲۰۰ بعد از میلاد، ملت‌های کوچکی که به شدت تحت تأثیر تمدن هند قرار داشتند، به تدریج در منطقه آسیای جنوب شرقی و در ابتدا در مدخل رودخانه‌های بزرگ تشکیل شدند. در مدت پانصد تا هزارسال بعد ملت‌های بزرگی در این منطقه ظهور کردند که سبک معماری باشکوهی داشته و گرایش‌های دینی هندو و بودایی، ساختارهای نوشتاری، تفکرات پادشاهی دینی و نظام‌های قانونی که برگرفته از جامعه هند بود، در این مناطق رواج یافت. اصطلاحات زبان سانسکریت وارد بسیاری از زبان‌های رایج در کشور اندونزی شده و گرایش دینی هندو بر فرهنگ‌های موجود در منطقه آسیای جنوب شرقی اثر بسیاری گذاشته است، اما در حال حاضر فقط مردم بالی گرایش دینی هندو دارند.

با ورود بازرگانان مسلمان و معلمانی از کشور هند، یمن و ایران و سپس اروپاییانی از کشورهای پرتغال، اسپانیا، هلند و انگلستان در سال ۱۴۰۰ بعد از میلاد، که همگی وارد تجارتنی

بزرگ با هند و چین شدند، به تدریج فرهنگ هندی در این منطقه کم رنگ شد. در طول دو قرن بعد شاهزاده‌های محلی وارد بازار تجارت منطقه شده، با یک دیگر متحد گشته و با اروپاییانی که در این منطقه به تجارت مشغول بودند رقابت کردند و در نهایت تجار جزایر هلند شرقی<sup>۱</sup> با ورود به بازارهای محلی و اتحاد با یک دیگر تجارت منطقه را در دست گرفتند و در سال ۱۷۹۹ نیز ورشکست شده و قدرت خود را از دست دادند. در قرن نوزدهم، هلند، دولت استعماری خود را با اتحاد با حاکمان منطقه‌ای مجمع الجزایر اندونزی در این منطقه تشکیل داده و در اوایل قرن بیستم این دولت با استفاده از توان نظامی خود توانست تمام مناطقی را که امروزه به نام کشور اندونزی شناخته می‌شوند، تصاحب کند.

شورش، گاه و بیگاه در قرن نوزدهم علیه اقدامات استعماری دولت هلند صورت می‌گرفت که بیشتر در منطقه جاوه رخ می‌دادند و در اوایل قرن بیستم روشن فکران و رهبران دینی اندونزی فعالیت‌های خود را برای دستیابی به استقلال کشور آغاز کردند. در سال ۱۹۴۲ جاوه ای‌ها با شکست ارتش استعماری و نگر داشتن سربازان در شرایطی سخت، منطقه‌ای را که اکنون به نام جاوه شناخته می‌شود تصرف کردند.

در ۱۷ آگوست سال ۱۹۴۵، با شکست دولت ژاپن در جنگ جهانی دوم، ملی گرایان اندونزی به رهبری سوکارنو و محمد هتا<sup>۲</sup>، استقلال کشور اندونزی را اعلام کردند. دولت استعماری هلند این مسئله را برناتفت و میان این دولت و جمهوری جدید اندونزی مدت پنج سال و به ویژه در منطقه جاوه جنگ درگرفت و نهایتاً استقلال اندونزی در سال ۱۹۵۰ به رسمیت شناخته شد.

### هویت ملی

تنوع نژادی و شمار جمعیتی مختلف در کشور اندونزی، موجب شده تا هویت ملی در این کشور مسئله ساز شود. در این کشور هویت ملی در سطوح بسیاری تعریف می‌شود: بر اساس تابعیت این کشور، به رسمیت شناختن پرچم کشور، آگاهی و دانش درباره تاریخ کشور و به رسمیت شناختن پنج اصل اساسی که کشور بر آن استوار است. بیشتر این موارد در مدارس و از طریق رسانه‌های گروهی و جمعی کشور در بطن جامعه رسوخ کرده‌اند؛ یعنی نظام آموزشی و رسانه‌ای که در بیشتر سال‌های استقلال کشور تاکنون، توسط دولت هدایت می‌شده است. تاریخ این ملت معطوف به مقاومت قهرمانان ملی و رهبران دینی، در برابر استعمار و کمونیسم می‌باشد. قهرمانان و رهبرانی که اکنون به پاس تلاش هایشان نام آنان بر خیابان‌های این کشور دیده می‌شود. افتخارات تمدن‌های قبل در این منطقه تصدیق شده و به رسمیت شناخته می‌شوند، هر چند بقایای باستانی برجای مانده در این منطقه، بیشتر مربوط به شاهزادگان حاکم بر جاوه باشند.

<sup>۱</sup> Dutch East India Company

<sup>۲</sup> Mohammad Hatta

## روابط قومی و نژادی

در این مجمع الجزایر روابط قومی و نژادی، از مدت‌ها پیش مورد توجه بوده و رهبران جامعه اندونزی احتمال بروز نفاق و جدایی میان قومیت‌ها و مناطق مختلف این کشور را، از همان ابتدای تشکیل جمهوری تشخیص داده اند. دولت مرکزی این کشور در دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ علیه نفاق و جدایی طلبی در آچه<sup>۱</sup>، سایر بخش‌های سوماترا و سولاوسی، لشکرکشی‌های بسیاری کرده و نهایتاً این ملت به واسطه نیروی نظامی به اتحاد رسیده اند.

روابط میان مردم بومی اندونزی و مردم چین، تا حد زیادی تحت تأثیر سیاست‌های کشور هلند و دولت اندونزی بوده است. شمار جمعیت چینی‌های این کشور، در حدود چهار تا شش میلیون نفر و یا به عبارتی سه درصد جمعیت کل کشور اندونزی تخمین زده شده است، اما این جمعیت در حدود ۶۰ درصد ثروت ملی کشور را در دست دارند. چینی‌ها، قرن‌ها در این جزایر به تجارت مشغول و ساکن بوده‌اند. در قرن نوزدهم، دولت هلند بسیاری از آنان را برای کار در مزارع و معادن به این منطقه آورده بود. دولت هلند هم چنین یک نظام طبقاتی اجتماعی، اقتصادی و قانونی را در این منطقه ایجاد کرد که اروپاییان، آسیایی‌ها، هندواروپایی‌ها و بومیان اندونزی را به واسطه محافظت از زمین‌های منطقه در مقابل تصرف خارجی‌ها از یک دیگر تفکیک می‌کرد. چینی‌ها انگیزه کمی برای تلفیق با جوامع بومی داشته و در مقابل هیچ گونه پذیرشی از طرف مردم بومی نیز در مورد آنان وجود نداشت.

با این که روابط تجاری مناسبی میان رهبران چینی و ادارات اندونزی وجود دارد، شهروندان چینی تبعه بد سابقه کشور اندونزی، با این که دیگر، بومی این منطقه محسوب می‌شوند با قوانین بسیار سخت و محدودکننده‌ای رو به رو هستند و حتی خشونت‌های گاه و بی‌گاه نیز مردم چینی و دارایی‌های آنان را تهدید می‌کند. ازدواج مردان چینی و زنان بومی این منطقه در نظام اجتماعی دوره استعمار، موجب شده است که اکنون نیمی از طبقات جامعه اندونزی<sup>۲</sup> را، این مردم تشکیل دهند که برای خود سازمان‌های مجزا، پوشش خاص، هنر و حتی روزنامه اختصاصی دارند. همین مسئله در مورد مردم اندونزیایی-اروپایی (که برای اختصار "ایندوس"<sup>۳</sup> خوانده می‌شوند) نیز صادق است.

گروه‌های دارای زبان‌های خاص قومیتی، بیشتر در مناطقی ساکن هستند- به ویژه مناطق روستایی- که بیشتر مردم آن جا دارای فرهنگ و زبان مشترک با آنها هستند. البته استثناهایی نیز در این خصوص در مرزهای میان محل زندگی این گروه‌ها، و مناطقی که سایر گروه‌ها به طور داوطلبانه در آن جا ساکن شده و یا به واسطه برنامه‌های مهاجرتی دولت بدان جا منتقل شده‌اند و در بعضی شهرها دیده می‌شود. به عنوان مثال چنین مناطقی در جاوه بسیار کم، و در بخش‌های مختلف سوماترا بیشتر دیده می‌شوند.

<sup>۱</sup> Aceh

<sup>۲</sup> peranakan

<sup>۳</sup> Indos

مردم اندونزی تفاوت‌های دینی و قومیتی ارتباطاتی نیز با یک دیگر دارند؛ این کشور دارای بزرگ‌ترین جمعیت مسلمان در جهان بوده و بسیاری از گروه‌های قومیتی و نژادی مختلف، مسلمان هستند. دولت استعماری هلند در این منطقه به مردم گروه‌های مختلف قومیتی که معتقد به مذاهب سنتی خود بودند، اجازه‌گرودیدن به مذهب پروتستان و کاتولیک را داده و از این رو، امروزه بسیاری از گروه‌های قومیتی این منطقه، پروتستان یا معتقد به کلیسای کاتولیک روم هستند. این مردم بیشتر در مناطق مرتفع سوماترای شمالی، کالیمانتان، سولاوسی، مالوکو و لسر سونداس شرقی دیده می‌شوند و بسیاری از مسیحیان این منطقه نیز، در جاوه و مناطق چینی نشین کشور زندگی می‌کنند. بحران، زمانی پیش می‌آید که گروه‌های دینی خاص، به منطقه‌ای با گرایش دینی متفاوت مهاجرت می‌کنند. قدرت سیاسی و اقتصادی در این کشور، ارتباط بسیاری با قومیت و گرایش دینی افراد دارد، چرا که گروه‌های مختلف به سمت اقوام و خویشاوندان خود گرایش داشته و به خاطر منافع اقتصادی و کسب مشاغل مناسب با افراد قوم خود، روابط خانوادگی و اجتماعی برقرار می‌کنند.

### شهرنشینی، معماری و استفاده از فضای شهری

شاهزادگان حاکم بر جاوه مدت‌های طولانی برای بزرگ جلوه دادن افتخارات و شأن خود، آثار تاریخی و معماری زیادی ایجاد کرده‌اند که جلوه‌ای ظاهری برای حکومت زمینی آنها در این مناطق بوده و بدین وسیله خود را مرتبط با عامل ماورای طبیعت می‌دانسته‌اند. از قرن هفدهم تا قرن نوزدهم دولت استعماری هلند موقعیت و جای‌گاه شاهزادگان محلی را تقویت کرده و از طریق آنان و با احداث کاخ‌های مجلل و با شکوه برای آنان، بر این منطقه حکومت می‌کرد. معماری این کاخ‌ها در طول زمان به نسبت‌های مختلف و بسته به موقعیت محلی آنها با عناصر معماری و نمادپردازی‌های هندو، اسلامی، بومی و اروپایی آمیخته شده که هنوز هم در سبک معماری کاخ‌های یوگیاکاترا<sup>۱</sup> و سوراکاترا<sup>۲</sup> در جاوه و یا "مدون"<sup>۳</sup> در سوماترای شمالی، دیده می‌شوند.

در معماری عصر استعمار هلند، آمیزه‌ای از عناصر معماری امپراتوری روم و معماری بومی محلی، با توجه به آب و هوای گرمسیری منطقه، چشم می‌خورد. دژ نظامی ارتش هلند و ساختمان‌های بسیار قدیمی و اولیه ساخته شده در جاکارتا<sup>۴</sup> بازسازی شده و به حال اول خود بازگردانده شده‌اند. در زمان ریاست جمهوری سوکارنو در این کشور، یک سری مجسمه‌های یادبود در نواحی مختلف جاکارتا بنا شدند که عمدتاً نشان از قهرمانی‌های مردم این منطقه داشتند. بعدها آثار تاریخی ملی، یادبودهای آیریان<sup>۵</sup> (پاپائو) غربی و "مسجد جامع استقلال"<sup>۶</sup>

<sup>۱</sup> Yogyakarta

<sup>۲</sup> Surakarta

<sup>۳</sup> Medan

<sup>۴</sup> Jakarta

<sup>۵</sup> Irian

<sup>۶</sup> Istiqlal Mosque

برای نمایش ارتباط با فرهنگ هندو، استقلال اندونزی و جای گاه دین مبین اسلام در میان ملت اندونزی، احداث شدند. به علاوه، مجسمه‌های یادبودی نیز به پاس تلاش‌های قهرمانان ملی این کشور در شهرهای مختلف ساخته شدند.

معماری محلی گروه‌های اجتماعی-اقتصادی مختلف موجود در شهرهای این کشور، بر اساس مدل‌های دولت استعماری هلند در این منطقه ایجاد شده‌اند و در سرتاسر این مجمع الجزایر به چشم می‌خورند. در این بناها، عناصر معماری استعماری (بام‌های بسیار شیب دار ساخته شده از کاشی) در کنار هشتی‌ها، آشپزخانه‌های آپن و محل اسکان خدمت کاران قابل مشاهده است که با شرایط آب و هوایی منطقه و سیستم اجتماعی جامعه، مطابقت یافته‌اند. استفاده از چوب در ساختن بنا در این منطقه، سابقه طولانی داشته و کاربرد سنگ نیز در بناها از قرن بیستم به بعد رواج یافت. مناطق مسکونی قدیمی تر در جاکارتا، مثل منطقه "منتنگ"<sup>۱</sup> در نزدیکی هتل اندونزی<sup>۲</sup>، نشانی از معماری شهری در دهه بیست و سی می‌باشد. بعد از سال ۱۹۵۰، مناطق مسکونی جدید در نواحی جنوبی جاکارتا ساخته شدند که بسیاری از آنها دارای خانه‌ها و مراکز خریدی هستند که استادانه طراحی و بنا شده‌اند.

بیشتر مردم ساکن در بسیاری از شهرهای این کشور، در خانه‌های کوچک ساخته شده از سنگ و چوب و خانه‌های بنا شده با خیزران (نی هندی) در روستاهای حومه‌ای بسیار پرجمعیت، زندگی می‌کنند و دست رسی کمی به آب شرب و سیستم مناسب دفع زباله و مواد زاید دارند. خانه‌ها، به ویژه در شهرهای بزرگ منطقه جاوه، اغلب بصورت بسیار متراکم در کنار هم ساخته شده‌اند و در شهرهایی که مهاجرت از روستاها بدان جا کمتر صورت می‌گیرد، مثل "پادانگ"<sup>۳</sup> در سوماترای غربی و "مانادو"<sup>۴</sup> در سولاوسی شمالی، در مقایسه با سایر شهرها مدیریت امور بهتر صورت می‌گیرد.

خانه‌های سنتی و قدیمی که بر اساس قوانین مرسوم بعضی از گروه‌های قومیتی خاص، به یک سبک واحد ساخته می‌شوند، نمادی برای قومیت گرایی این مردم می‌باشند. در مناطق روستایی، خانه‌ها سادگی بیشتری دارند و بعضی از ویژگی‌های آنها در برخی از بناهای شهری، مثل ساختمان‌های دولتی، بانک‌ها، بازارها و هم چنین خانه‌های مسکونی، مورد استفاده قرار می‌گیرند.

تعداد این خانه‌های سنتی و قدیمی در بسیاری از مناطق روستایی، در حال کاهش است. دولت استعماری هلند در زمان حکومت خود در این منطقه، و دولت اندونزی در حال حاضر، مردم را به احداث خانه‌های مدرن و جدید با ساختاری مستطیلی شکل و دارای پنجره تشویق کرده‌اند. اما در بعضی از مناطق روستایی، مثل سوماترای غربی، مهاجرانی که با موفقیت

<sup>۱</sup> Menteng

<sup>۲</sup> Hotel Indonesia

<sup>۳</sup> Padang

<sup>۴</sup> Manado

توانسته‌اند به این منطقه نقل مکان کنند، برای نشان دادن این موفقیت خود، خانه‌های قدیمی را بازسازی کرده و یا خانه‌های سنتی جدیدی ساخته‌اند. در سایر مناطق روستایی، مردم وضع زندگی خود را با ساختن خانه‌های مدرن از سنگ و کاشی که دارای پنجره‌های شیشه‌ای نیز هستند، به سایرین نشان می‌دهند. در شهرها، خانه‌های قدیمی بر جای مانده از زمان استعمار، توسط مالکان نوسازی شده و نمای خانه‌ها نیز به سبک جدیدتر تغییر می‌کنند و ستون‌های رومی که زمانی در بنای ساختمان‌های عمومی در زمان استعمار مورد استفاده قرار می‌گرفتند، اکنون هم در احداث خانه‌ها به کار برده می‌شوند.

## خوراک و اقتصاد

### ۱. خوراک روزانه

سبک آشپزی مردم اندونزی، بازتابی از تاثیر منطقه ای، قومیتی و آشپزی چینی، خاورمیانه ای، هندی و غربی بوده و کیفیت، مقدار و تنوع غذایی، بسته به طبقه اجتماعی - اقتصادی خانواده، نوع فصل و شرایط محیطی، تاحدی متغیر می‌باشد. برنج یکی از مواد غذایی ثابت در بیشتر خوراک‌های منطقه‌ای بوده و غذای اصلی مردم اندونزی محسوب می‌شود (کارمندان دولت در این کشور علاوه بر حقوق ماهانه خود، سهمیه برنج نیز دریافت می‌کنند). مردم اندونزی در کنار برنج، از مواد غذایی دیگری، مثل گوشت، ماهی، تخم مرغ و سبزی جات، ادویه جات و سس‌های مختلف که متشکل از فلفل تند و سایر طعم دهنده‌های غذایی هستند، استفاده می‌کنند. خوراک مردم جاوه و بالی در مقایسه با سایر مناطق، تنوع بیشتری دارد و این تنوع در خوراک مردم "باتاک"<sup>۱</sup>، حتی در خانواده‌های ثروت مند، کمتر دیده می‌شود و بیشتر از برنج استفاده می‌کنند و غذاهای جانبی مصرف کمتری دارند. به علاوه، برنج در همه مناطق این کشور، غذای اصلی محسوب نمی‌شود؛ در منطقه مالوکو و بخش‌هایی از سولاوسی پنی‌خرما و در تیمور غربی ذرت غذای اصلی مردم می‌باشد؛ البته در مراسم و جشن‌ها، برنج نیز طبخ می‌گردد. در میان روتینی‌ها<sup>۲</sup> (مهاجرانی که از مناطق شمالی و از طریق تیمور وارد اندونزی شده‌اند) نیز شکر خرما یکی از مواد غذایی اصلی به شمار می‌رود.

با این که اندونزی، منطقه‌ای جزیره‌ای مانند می‌باشد، ماهی تقریباً بخش کوچکی از خوراک بیشتر مردم ساکن کوهستان‌های داخلی کشور را تشکیل می‌دهد. با این حال، توسعه سیستم حمل و نقل در این کشور، موجب شده تا ماهی‌های نمک سوده شده، بیشتر در دست رس مردم قرار گیرد. در اندونزی مواد غذایی منجمد و یخ زده هنوز چندان مورد استفاده قرار نمی‌گیرند، بازارهای روزانه فروش مواد غذایی با اقبال بیشتری رو به رو هستند و عرضه مواد غذایی در بازارها، بیشتر مبتنی بر تولید محلی می‌باشد. این کشور به لحاظ تولید میوه‌های گرمسیری، کشوری بسیار غنی است، اما بسیاری از مناطق این کشور، درخت‌های میوه بسیار

<sup>۱</sup> Batak

<sup>۲</sup> Rotinese

کمی دارند و ظرفیت حمل و نقل سریع این میوه‌ها به مناطق دیگر نیز، بسیار ضعیف است. در شهرها تنوع غذایی و فروشگاه‌های عرضه این مواد، بسیار زیاد بوده، اما در مناطق روستایی این تنوع کمتر می‌باشد. در شهرها، مردم دارای توانایی مالی بیشتر، دست رسی بیشتری به مواد غذایی متنوع دارند، اما خانواده‌های دیگر این گونه نیستند و برنج، غذای اصلی آنها محسوب می‌شود و کمتر از گوشت استفاده می‌کنند. در بعضی از مناطق روستایی که فقر بیشتر دیده می‌شود، هر ساله پیش از فرارسیدن موعد برداشت محصول برنج و ذرت مزارع، پدیده رایج "گرسنگی" گریبان گیر خانواده‌های بی بضاعت می‌شود.

## ۲. رسوم غذایی در مناسبات و مراسم سنتی

برجسته ترین واقعه ملی در اندونزی، فرارسیدن ماه مبارک رمضان است، حتی مسلمانانی که توجه کمتری به این ماه مبارک دارند، با جدیت در گرمای این منطقه، از سحر تا غروب آفتاب، روزه گرفته و چیزی نمی‌خورند. مردم در این ماه، در هر شام گاه غذاهای ویژه‌ای صرف می‌کنند. در این ماه با برگزاری عید فطر<sup>۱</sup>، روز تعطیل ملی، خانواده‌ها، دوستان، همسایگان و همکاران برای تقسیم غذای خود، به خانه یک دیگر می‌روند (در این روز مسلمانان به خانه‌های غیر مسلمانان نیز می‌روند) به پایان می‌رسد.

در مراسم و تشریفات مذهبی و سنتی، غذای ویژه‌ای به ارواح و مردگان تقدیم شده و توسط افراد حاضر در مراسم صرف می‌شود. مراسم مذهبی متداول مردم جاوه که "سلاماتان"<sup>۲</sup> نامیده می‌شود، در هر مناسبتی، از تولد و وفات گرفته تا دعاخوانی برای نعمت‌های جدیدی که به مردم روستا رسیده، برگزار می‌شود و نشان آن نیز غذایی است که میان برگزارکنندگان پخش می‌شود. مراسم ازدواج و مراسم تدفین از جمله مهم ترین مراسم در مناطق شهری و روستایی بوده و هر کدام از آنها جنبه‌هایی دینی و ملی دارند. سرویس غذای کامل و استفاده از نمادهای ملی و دینی از جمله ویژگی‌های این مراسم بوده و محتوای غذایی آن نیز در میان گروه‌های قومیتی مختلف، تفاوت‌های بسیاری دارد. به عنوان مثال، در میان مردم "متو"<sup>۳</sup> در تیمور، در این مراسم باید گوشت و برنج<sup>۴</sup> وجود داشته باشد و مردان، مسئولیت طبخ گوشت و زنان، مسئولیت طبخ برنج را برعهده دارند. در بعضی از مراسم تدفین [ نزدیک غیر مسلمانان ] خوردن چربی خوک و نوشیدن خون، یکی از آداب بوده و از آن جایی که این خوراک بخشی از رژیم غذایی روزانه افراد نمی‌باشد، چندان اشتها آور و لذیذ نمی‌باشد. در چنین مراسمی میهمانان مسلمان در محیطی جداگانه و با غذاهایی مخصوص، پذیرایی می‌شوند. در بیشتر بخش‌های اندونزی، توانایی پذیرایی از میهمانان بسیار، با غذایی کامل و مناسب، نشانه‌ای برای میهمان نوازی، استطاعت مالی و وضعیت زندگی خانواده و خاندان فرد می‌باشد.

<sup>۱</sup> Idul Fitri

<sup>۲</sup> Selamatan

<sup>۳</sup> Meto

<sup>۴</sup> Sisi-maka

در میان بعضی از مردم این کشور، مثل مردم باتاک و توراجا، بخشی از گوشت حیوانات اهلی که برای تهیه خوراک میهمانی‌ها ذبح می‌شوند، به عنوان هدیه به افراد شرکت کننده در مراسم داده می‌شوند و هر بخشی از گوشت که به طور نمادین انتخاب شده است، نشان دهنده وضعیت اجتماعی فردی است که آن را دریافت می‌کند.

### ۳. اقتصاد پایه

حدود ۶۰ درصد جمعیت اندونزی کشاورزانی هستند که محصولات هم چون برنج، سبزی جات، میوه، چای، قهوه، شکر و ادویه جات تولید می‌کنند. در این کشور روغن خرما، کائوچو و شکر در حجم بسیار زیاد برای مصرف داخلی و صادرات، تولید می‌شوند و در بعضی مناطق، درختان کائوچو توسط کشاورزان خریداری و از آنها بهره برداری خصوصی می‌شود. حیوانات اهلی در این کشور عبارتند از: گاو، بوفالوی آبی، اسب، مرغ و خروس و در مناطق غیر مسلمان نشین، خوک هم پرورش داده می‌شود. در این کشور ماهی گیری از آب‌های شیرین و نیز در اقیانوس، اهمیت بسیاری برای اقتصاد ملی و روستایی دارد. الوار و چوب‌های آماده شده برای مصرف، به ویژه در کالیمانتان و سوماترا، برای مصرف داخلی و صادرات می‌باشد، ولی و نفت و گاز طبیعی، قلع، مس، آلومینیوم و طلا بیشتر برای صادرات به کشورهای دیگر تولید و استخراج می‌شوند. یکی از ویژگی‌های کشور اندونزی در دوره استعمار، "اقتصاد دولابه" این کشور بود. یکی از لایه‌ها مربوط به کشاورزی و صنایع کوچک با مصرف داخلی بوده که بیشتر توسط مردم بومی کشور اداره می‌شود و لایه دیگر، تولید عمده محصولات کشاورزی و استخراج معادن [ و صنایع خدماتی مرتبط به آنها ] برای صادرات بوده که اداره آن در دست دولت استعماری هلند، سایر کشورهای اروپایی و چینی‌ها بوده است. با این که امروزه این کشور در هر دو لایه اقتصادی تشریح شده، جای گاه ویژه‌ای دارد، دولت هلند و سایر کشورهای اروپایی چون سابق، به طور مستقیم در آن دخالتی ندارند. بسیاری از ویژگی‌های آن اقتصاد دو لایه هنوز هم وجود دارد و در کنار این، مسئله نارضایتی‌های اجتماعی و قومیتی نیز در این خصوص، هم چنان دیده می‌شوند.

یکی از تغییراتی که در دوران "نظم جدید"<sup>۱</sup> سوهارتو<sup>۲</sup> (از سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۸) رخ داد، شهرنشینی سریع و تولید صنعتی در مناطقی مثل جاوه بود که تولید محصولات مختلف برای مصرف داخلی و صادرات را تا حد بسیار زیادی گسترش داد. عدم تعادل پیشین در تولید محصولات بین منطقه جاوه و جزایر خارجی این کشور در حال از بین رفتن است، هر چند، این منطقه در حال حاضر نیز نقش ویژه‌ای در اقتصاد کشور دارد. با این که توسعه اقتصادی میان سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۷ برای بسیاری از مردم این کشور کمک بزرگی بود، تفاوت‌های اقتصادی میان ثروتمندان و نیازمندان و شهرنشینان و روستائینان این کشور، به ویژه در

<sup>۱</sup> New Order

<sup>۲</sup> Suharto



همین منطقه جاوه بسیار بیشتر شده است. رکود اقتصادی شدید این کشور در آن زمان و بعد از سال ۱۹۹۷ و بی ثباتی سیاسی حاکم بر جامعه بعد از سقوط سوهارتو، سرمایه گذاری خارجی در این کشور را بسیار کاهش داده و بیشترین زیان حاصل از این بحران اقتصادی در کشور نصیب طبقات اجتماعی پایین تر و متوسط این جامعه، به ویژه در شهرها شد.

#### ۴. اجاره داری زمین و ملک

دولت استعماری هلند، حقوق مردم بومی این کشور را در خصوص زمین‌های اجدادی و دارایی‌های آنها به رسمیت شناخته و قانونی نیمه تدوین شده برای این منظور تصویب کرد. در بسیاری از مناطق کشور اندونزی، گروه‌هایی مثل طوایف بزرگ، جوامع قومیتی و گروه‌های خویشاوندی وجود دارند که از زمان‌های بسیار دور حق مالکیت زمین‌های اجدادی خود را داشته اند. در این کشور افراد و خانواده‌ها می‌توانند از زمین‌ها استفاده کنند، اما حق مالکیت زمین را ندارند. مرزهایی که برای زمین‌ها در این کشور تعیین شده اند، چندان دقیق نیستند و بدین خاطر، گاهی منازعاتی بر سر استفاده از این زمین‌ها رخ می‌دهد که معمولاً بزرگان روستاها این منازعات را حل و فصل می‌کنند، اما گاهی بعضی از این درگیری‌ها به دادگاه‌ها و سایر ادارات دولتی نیز کشیده می‌شوند. در شهرها و بعضی روستاهای منطقه جاوه، قانون مالکیتی که در کشورهای اروپایی اجرا می‌شود، به رسمیت شناخته می‌شود. بعد از استقلال اندونزی "اصلاحات زمین" بسیاری در این کشور صورت گرفته که البته با مقاومت‌های سیاسی گروه‌های مختلف نیز رو به رو بوده است. در زمان رژیم سوهارتو، افراد و گروه‌های قدرت مند اقتصادی و سیاسی از طریق ابزارهای شبه قانونی موجود در آن زمان و به واسطه فشارهایی به نام "توسعه"، صاحب زمین‌های بسیاری شدند و سودهای حاصل از این کار را در کشاورزی، پرورش دام و تهیه الوار از درختان، احداث ساختمان‌های تجاری، هتل‌ها، خانه‌های مسکونی و کارخانجات سرمایه گذاری کردند. مالکان جدید این زمین‌ها اغلب مبالغی ناچیز در ازای تصرف آنها به مالکان قدیمی آنها و کسانی که در این زمین‌ها کار می‌کردند، می‌دادند. همین مسئله در تصرف زمین‌ها توسط دولت و موسسات ملی، برای ساختن سد و مخازن آب، پارک‌های صنعتی و بزرگراه‌ها نیز صورت گرفته است و بیشترین آسیب از این کار نصیب مردمانی شده که در مناطق دوردست در جنگل‌ها زندگی می‌کرده اند، چراکه افراد صاحب نفوذ، امتیاز انحصاری قطع درختان برای تهیه الوار را کسب کرده بودند.

#### ۵. تجارت

قرن‌ها فعالیت‌های تجاری میان بسیاری از جزایر این منطقه و خارج از مرزهای کنونی این سرزمین توسط بازرگانان محلی و خارجی متعلق به گروه‌های قومیتی مختلف در جریان بوده است. بعضی از مردم بومی این منطقه، مثل مردم "مینانگکابائو"<sup>۱</sup>، "بوگیس"<sup>۲</sup> و "ماکاسارسه"<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> Minangkabau

<sup>۲</sup> Bugis

<sup>۳</sup> Makassarese

هم چون تاجران چینی، بازرگانی شناخته شده در این منطقه هستند. کشتی‌های بادبانی مردم بوگیس که کاملاً دست ساز بوده و وزنی بین ۳۰ تا ۱۵۰ تن دارند هنوز هم در این منطقه به حمل و نقل کالاهای تجاری به مناطق مختلف این کشور، مشغولند. تجارت بین سرزمین‌های پست و مناطق مرتفع در این کشور و سواحل و مناطق داخلی کشور از طریق این بازرگانان و سایر تاجران خُرده پا در سیستمی بسیار پیچیده صورت می‌گیرد که در آن، صدها هزار تاجر مرد و زن مشغول فعالیت بوده و روش‌های مختلف حمل و نقل کالا، از انسان گرفته تا اسب، دوچرخه، وَن‌های کوچک، کامیون‌ها، اتوبوس‌ها و قایق‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. اسلام در کنار این شبکه‌های تجاری گسترش یافته و تاجران مسلمان در تجارت خُرده در تمام مناطق این کشور، حرف اول را می‌زنند.

در قرن‌های نوزدهم و بیستم، دولت استعماری هلند از چینی‌ها برای برقراری ارتباط بین کشاورزی روستایی و زراعت بومیان اندونزی با بازارهای موجود در شهرک‌ها و نیز برقراری ارتباط میان این شهرک‌ها با شهرهای بزرگ‌تر که در آنها چینی‌ها و هلندی‌ها اداره موسسات تجاری، بانک‌ها و سیستم حمل و نقل را برعهده داشتند استفاده کردند. از این رو، نیروی چینی - اندونزیایی، بازوی اصلی اقتصاد کشور شده و امروزه نیز در حدود ۶۰ درصد ثروت ملی این کشور در اختیار این مردم می‌باشد (با این که چینی‌ها فقط چهار درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند). بعد از استقلال اندونزی، این مسئله موجب شده تا نژاد، زبان، آموزش و مراسم‌های سنتی مردم چینی این کشور، توسط دولت اندونزی منکوب شده و آن دسته از چینی‌هایی که تمایل داشتند تبعه این کشور شوند، شهروندان طبقه دوم جامعه محسوب شوند. شورش‌های گاه و بی‌گاه علیه چینی‌ها، به ویژه در منطقه جاوه به امری عادی در این منطقه، تبدیل شده است. تاجران خُرده پای مسلمان که در دوره استعمار به عنوان خارجی محسوب می‌شدند، بعد از استقلال کشور، پذیرای تغییری بسیار در روابط خود با جامعه شدند، اما در رژیم "نظم جدید" سوهارتو که نخبگان تجاری، دولتی و نظامی کشور به دروغ به نام "توسعه" و در واقع برای دستیابی به منافع اقتصادی خود، با چینی‌ها دست دوستی و اتحاد دادند، مسلمانان مورد بی‌توجهی قرار گرفتند.

#### ۶. صنایع عمده

صنایع اصلی اندونزی عبارتند از: کشاورزی، استخراج منابع طبیعی و صادرات، ساختمان سازی و توریسم. البته از دهه ۷۰ در منطقه جاوه بخش صنعتی کوچک و متوسطی نیز ایجاد شده که نیاز داخلی - از ظروف شیشه‌ای و بلورجات منازل گرفته تا مسواک و قطعات اتومبیل - کشور را تامین و محصولات دارای مجوز برای شرکت‌های چندملیتی، تولید می‌کند. کشاورزی و استخراج منابع طبیعی که هنوز هم بیشتر درآمد خارجی و سرمایه‌گذاری داخلی کشور را ممکن می‌سازند، بیشتر در جزایر خارجی، به ویژه در سوماترا - زراعت، استخراج نفت، گاز و مواد معدنی - کالیمانتان - تهیه الوار - و پاپائوی غربی - مواد معدنی - رواج دارند. بخش

صنعتی گفته شده، در منطقه جاوه و به ویژه در اطراف شهر جاکارتا و سورابایا<sup>۱</sup> و بعضی شهرهای کوچک تر در ساحل شمالی، رشد داشته است.

### طبقه بندی اجتماعی

#### ۱. طبقات اجتماعی و گروه ها

استبدادی بودن و مقام‌های اشرافی، ویژگی بسیاری از دولت‌هایی بوده که در هزاره گذشته بر اندونزی حکومت داشته اند. مناطقی نیز در این کشور وجود داشته‌اند که چنین سیستم‌های سیاسی نداشته اند، اما بیشتر آنها همان اصل سلسله مراتبی را در قدرت داشته اند. دولت‌های هندویی که بعدها به اسلام گرویدند نیز در طبقات بالای جوامع خود، اشراف زادگان و در طبقات پایین خود رعایا و بردگان را داشته اند؛ توان نظامی و قدرت روحانی شاهزادگان هندی در پایتخت‌های آنها متمرکز بوده و برای حکومت و فرمان روایی خود آداب و تشریفات مذهبی ویژه‌ای ایجاد کرده بودند. با آنان برای کسب غنیمت، زمین و گسترش قلمرو خود و نیز تسلط بر تجارت دریایی منطقه، جنگ و خون ریزی بسیاری کردند. در این جنگ‌ها ائتلاف تاجران هلندی جزایر شرقی، یکی از طرفین جنگ بودند که سنگرها و دژها، ارتش و نیروی دریایی ویژه خود را داشتند و با دولت‌های بومی این منطقه وارد جنگ شدند. در این جنگ‌ها دولت استعماری هلند، ائتلاف تاجران را شکست داده و بر بعضی مناطق به طور مستقیم، و بر مناطق دیگر به طور غیر مستقیم از طریق شاهزادگان محلی، مسلط شدند. این دولت در بعضی مناطق، قدرت شاهزادگان محلی را افزایش داد و از این طریق، شکاف میان طبقه اشراف و رعایا را بیشتر کرد. دولت استعماری هلند در منطقه جاوه، شکوه و تجمل گرایی شاهزادگان محلی را بیشتر کرد، اما از مسئولیت اجرایی آنها و در بعضی مناطق دیگر، مثل سوماترای شرقی، برای رسیدن به منافع اقتصادی و سیاسی خود فرمان روایی‌هایی برای شاهزادگان ایجاد کرد.

به طور کلی، شاهزادگان محلی در مناطقی حکومت می‌کردند که مردم ساکن آن جا جزو گروه قومیتی خود آنها بودند، با این حال مناطقی نیز، مثل جاوه و یا سوماترا و کالیمانتان، وجود داشتند که گروه‌های قومیتی مختلفی را در خود جای داده بودند. قلمروهای طبقه بندی شده پادشاهی در بیشتر نواحی جاوه، لسر سونداس غربی و بخش‌هایی از لسر سونداس شرقی، سولاوسی جنوبی، بخش‌هایی از مالوکو، بخش‌هایی از کالیمانتان و ساحل شرقی و جنوب شرقی سوماترا ایجاد شده بودند.

اعضای طبقه‌های حاکم بر جامعه، ثروت زیادی کسب کرده و کودکان حاکمان محلی، در مدارس تحصیل کردند که آنها را در مقایسه با سایر همسالان خود از سایر بخش‌های مجمع الجزایر متمایز می‌ساخت.

جامعه جاوه بیشتر از جوامع سایر مناطق کشور اندونزی دارای طبقات اجتماعی مختلف بوده است. جامعه مینانگکابائو بسیار تحت تأثیر الگوهای سیاسی سلطنتی قرار داشتند، اما در

<sup>۱</sup> Surabaya

منطقه سوماترای غربی که موطن اصلی آنها محسوب می‌شد، یک سیستم سیاسی مبتنی بر تساوی حقوقی ایجاد کرده بودند. جامعه باتاک نیز در منطقه سوماترای شمالی یک سیستم سیاسی مبتنی بر تساوی حقوقی و رسمی مرکب از وفاداری به طایفه و فردگرایی پدید آوردند. مردم ساکن در مناطق شمالی در سولاوسی و کالیمانتان نیز سیستم‌های اجتماعی ایجاد کردند که بیشتر مبتنی بر تساوی حقوقی بود و در عین حال، از طریق تکریم و باج دادن به شاهزادگان محلی، با دنیای خارج از جامعه خود ارتباط برقرار می‌کردند.

## ۲. سمبل‌های طبقه بندی اجتماعی

فرهنگ‌های اشرافی جاوه و حکومت‌های ساحلی متأثر از جامعه مالای، دارای نشانه‌هایی از جمله انزوا و گوشه گیری شاهزادگان و اشرافیان در مراسم مختلف، ستایش و تکریم اشراف زادگان توسط رعایا، ملاکان و خان‌های کوچک تر، تفاوت در مسئولیت رعایا، قوانینی خاص در خصوص اعطای خرجی به خانواده‌ها- که نشان دهنده طبقات مرفه آن جامعه بود - وجود اشرافیانی که امتیازهای سلطنتی خاص و فوق العاده داشتند و فرهنگ‌های ادبی و هنری مخصوص دربار بودند. دولت استعماری هلند نیز در زمان حکومت خود در این منطقه، همین قوانین اجتماعی را در مورد مردم بومی به کار می‌گرفت، به ویژه در دوره آخر استعمار، که زنان اروپایی وارد خانواده‌های بومی و هلندی در این منطقه شدند. مخصوصاً در منطقه جاوه، طبقه‌های اجتماعی به واسطه سطوح زبانی، نام خانوادگی و قواعد ازدواج متفاوت، از یک دیگر تفکیک می‌شدند. فرهنگ درباری و اشرافی در این دوره، معیاری برای رفتار اجتماعی پذیرفته شده و مناسب در جامعه در مقایسه با رفتار تند و زنده رعایا و یا غیر جاوه‌ای‌ها محسوب می‌شد. خطاب کردن غیر مستقیم در صحبت‌ها و روابط، و کنترل رفتار شخصی در جامعه و میان عموم، نشانه‌هایی برای افراد اجتماعی محسوب شده و از جمله تفکراتی بوده‌اند که به شدت در جامعه رواج می‌یافتند. دربارها مراکزی برای ترویج هنر، موسیقی، رقص، تئاتر، خیمه شب بازی، شعر و صنایع دستی، مثل لباس‌های سنتی و نقره دوزی به شمار می‌رفتند. دربارهای اصلی موجود در این منطقه تا قبل از قرن هفدهم، همگی به اسلام گرویده بودند، اما بعضی از فعالیت‌های هنری و تفکرات فلسفی هند و هم چنان در این دربارها رواج داشته و یا با تعالیم اسلامی آمیخته شده بودند.

در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، جامعه‌ای پیچیده تر در جاوه و بعضی دیگر از نواحی منطقه شکل گرفت که نیازمند افراد آموزش دیده بیشتری در حکومت و تجارت بود. طبقات اشراف این جامعه نمی‌توانستند این نیاز را به طور کامل رفع کنند، در عین حال، آموزش نیز توسعه بیشتری یافته بود. در این جامعه، طبقه‌ای از افراد دولتی و متخصص ایجاد شده بود که شهرنشین بوده و اغلب سبک زندگی اشرافی سابق را نیز حفظ کرده بودند. بعد از گذشت دو دهه از استقلال کشور اندونزی، تمام فرمان‌روایی‌های اشراف زادگان، جز سلطنت یوگیاکارتا و سوراکارتا، در جمهوری اندونزی ادغام شدند. با این وجود، الگوهای رفتاری و فکری

در نسل‌های بعدی مردم بومی این منطقه، شامل تفاوت در نوع مسئولیت، اعتقاد به پدرسالاری، مسئولیت ناپذیری رهبران، اعتقاد به قدرت ماورای طبیعی، به رخ کشیدن ثروت، سلطه فردی و حکومت زور به جای قانون بودند، هم چنان جامعه اندونزی را تحت تأثیر قرار می‌داد.

## حیات سیاسی

### ۱. دولت

کشور اندونزی در سال ۲۰۰۰ درگیر بحران شدید حکومتی شد و بسیاری از نهادهای حکومتی در این دوره بازسازی شدند. قانون اساسی جمهوری اندونزی که در سال ۱۹۴۵ تدوین شده، شش نهاد اصلی برای حکومت در این کشور تعیین کرده بود که عبارتند از: مجلس شورای ملی<sup>۱</sup>، ریاست جمهوری، دیوان وکلای ملت<sup>۲</sup>، دیوان اعلائی مشورتی<sup>۳</sup>، هیئت بازرسی دولت<sup>۴</sup> و دادگاه عالی کشور<sup>۵</sup>.

رئیس جمهور توسط مجلس شورای ملی انتخاب می‌شود که متشکل از هزار عضو از اصناف مختلف- از کشاورزان تا تجار و دانشجویان و سربازان- است و هر پنج سال یک بار رئیس جمهور را انتخاب می‌کنند. نخست وزیر نیز توسط شخص رئیس جمهور منصوب می‌شود. دیوان وکلای ملت نیز، در سال حداقل یک بار تشکیل جلسه داده و متشکل از پانصد عضو می‌باشد که چهارصد عضو آن از استان‌های کشور و صد نفر دیگر توسط ارتش انتخاب می‌شوند. این دیوان، وظیفه قانون گذاری را بر عهده دارد، اما قوانینی که در این دیوان تصویب می‌شوند باید توسط رئیس جمهور تایید گردند. دادگاه عالی کشور نیز از طریق سیصد دادگاه زیرمجموعه خود در استان‌های مختلف کشور از قوانین تصویب شده و سایر مسائل حقوقی و قضایی کشور آگاه می‌گردد، اما نمی‌تواند در مورد قوانینی که توسط سایر بخش‌های حکومت تدوین شده، اقدامی انجام دهد.

در سال ۱۹۹۷، اندونزی دارای ۲۷ استان و سه ناحیه ویژه (آچه، یوگیاکارتا و جاکارتا) بود که هر کدام از آنها حاکمان ویژه خود را داشته و به لحاظ حکومتی مستقل از حکومت مرکزی بودند. در سال ۱۹۹۸ منطقه تیمور شرقی از حالت خودمختاری خارج شده و به یکی از استان‌های کشور بدل شد و بسیاری از مناطق خودمختار دیگر نیز در حال حاضر به دنبال تغییر سیستم حکومتی خود به استان رسمی کشور هستند. حاکمان استان‌ها (استاندارها) توسط وزارت امور داخلی کشور منصوب شده و در قبال این نهاد کشوری، مسئول می‌باشند. در این ۲۷ استان، ۲۴۳ بخش<sup>۶</sup> وجود دارد که خود دارای ۳۸۴۱ زیربخش<sup>۷</sup> هستند و مسئولان آنها

<sup>۱</sup> Majelis Permusyawaratan Rakyat: MPR

<sup>۲</sup> Dewan Perwakilan Rakyat: DPR

<sup>۳</sup> Dewan Pertimbangan Agung

<sup>۴</sup> Badan Pemeriksa Keuangan

<sup>۵</sup> Mahkamah Agung

<sup>۶</sup> kabupaten

<sup>۷</sup> kecamatan

نیز توسط دولت منصوب می‌گردند. به علاوه ۵۵ شهرداری، ۱۶ بخش‌داری اجرایی و ۳۵ شهر نیز در این کشور وجود دارند که دارای مسئولانی جدای از مسئولان استان‌هایی که در آنها قرار دارند، هستند. هم چنین حدود ۶۵ هزار دهکده شهری و روستایی در این کشور وجود دارد که بخشی از آنها در زبان بومی منطقه به نام "کلوراهان"<sup>۱</sup> و بخشی دیگر "دسا"<sup>۲</sup> نامیده می‌شوند (مسئولان روستاهای نوع اول توسط مسئول زیربخش مربوطه و مسئولان روستاهای نوع دوم از سوی مردم انتخاب می‌شوند). بسیاری از مسئولان دولتی که در زمان رژیم "نظم جدید" سوهارتو انتخاب شده بودند، نظامی بودند. مسئولان استانی، بخشی و زیربخشی وظایف بسیاری دارند و ادارات اجرایی دولتی، مثل اداره کشاورزی، جنگل بانی و اداره امور اجتماعی، در سطح بخش‌های استان‌ها نیز مسئولیت دارد و به علاوه به طور مستقیم پاسخ‌گوی وزارتخانه‌های تابعه خود در جاکارتا نیز هستند که این مسئله موجب پیچیده شدن تصمیم‌گیری‌ها در سطح محلی شده است.

## ۲. رهبری و مقامات سیاسی

در رژیم "نظم جدید" سوهارتو، حزب سیاسی "گلکار"<sup>۳</sup> بر انتصاب‌های اداری کنترل مطلق داشت و در بخش خدمات اجتماعی هم به دلیل وابستگی کارمندان به این حزب هم تأثیر اساسی می‌گذاشت. به علاوه، سرمایه‌های کشور به طور کانالیزه برای حمایت از نامزدهای این حزب اختصاص می‌یافتند و اعضای این حزب در نهادهای ملی و منطقه‌ای در بیشتر نواحی کشور حرف اول را می‌زدند. در مقابل، حزب متحد توسعه اسلامی و حزب دموکرات اندونزی از چنین سرمایه‌هایی بی‌بهره بوده، نفوذ چندانی نداشت و رهبران آنها نیز بسیار ضعیف بوده و اغلب اتحاد نداشتند. مردم عادی نیز هیچ ارتباطی با این احزاب نداشتند و منفعتی از طرف این احزاب نصیب آنها نشده بود. بعد از سقوط رژیم سوهارتو و راه یافتن بسیاری از احزاب به فضای سیاسی کشور، بسیاری از مردم این کشور وارد مسائل سیاسی شدند، اما این سیاست بیشتر به صورت ائتلاف رهبران احزاب اصلی کشور و تلاش برای نفوذ به بدنه‌های نمایندگی در سطوح ملی و استانی و نیز ورود به کابینه رئیس‌جمهور، خودنمایی می‌کرد.

سرویس‌های اجتماعی و نهادهای حاکم بر جامعه اندونزی از زمان تشکیل جمهوری در این کشور تا به امروز بر پایه اصول اجرایی و اداری رایج در زمان استعمار است. رژیم "نظم جدید" سوهارتو از طریق انتصاب مستقیم روسای زیربخش‌ها و حتی روستاهای کشور، اختیار و قدرت دولت مرکزی را هر چه بیشتر کرد. سرویس‌های دولتی به کارمندان خود، حقوق، امنیت و حقوق بازنشستگی - اگرچه که ممکن است بسیار اندک باشد - داده و آنها را بسیار تکریم می‌کنند. کارمندان سطوح خاص در نهادهای اصلی دولتی مثل وزارتخانه‌ها، موسسات عمومی، مدارس و دانشگاه‌ها، موزه‌ها، بیمارستان‌ها و شرکت‌های تعاونی خادمان جامعه محسوب

<sup>۱</sup> kelurahan

<sup>۲</sup> desa

<sup>۳</sup> Golkar

می‌شوند و چنین جای گاهی در سرویس خدمات اجتماعی کشور، مورد احترام است. کارکردن در سرویس‌های خدمات اجتماعی در گذشته، شأن و منزلتی خاص برای فرد ایجاد می‌کرد، اما این شأن و منزلت در رژیم "نظم جدید" سوهارتو از میان رفت و توسعه اقتصاد کشور موجب شد تا کار در بخش خصوصی، به ویژه برای افراد متخصص و آموزش دیده، علاقه منافع بیشتری را جذب کند. در نتیجه، نه شمار مشاغل دولتی در سرویس‌های خدمات اجتماعی افزایش یافت و نه حقوق کارمندان دولت در این بخش را جذب کند.

رابطه مردم با کارمندان دولتی در اندونزی، رابطه‌ای تمکین آمیز - که اغلب به صورت رشوه دادن از طرف مردم و پذیرش از طرف کارمندان - و بدون توجه به منافع جامعه بوده است. کارمندان، که اغلب حقوقی بسیار پایین دارند، گاهی کنترل اموری بسیار پر سود مثل صدور مجوز یک قرارداد ساختمانی بسیار بزرگ و گاهی اموری نه چندان پر منفعت مثل صدور مجوز اسکان در یک محله را در دست دارند که همه آنها ممکن است برای فرد متقاضی هزینه زیادی داشته باشد. مطالعات بین المللی صورت گرفته در این خصوص حاکی از آن است که، اندونزی فاسدترین کشور در سیستم دولتی، در دنیاست. بیشتر این مفاسد به دلیل تقسیم سود فعالیت‌های اقتصادی میان متقاضیان پرونده‌های دولتی و کارمندان است و البته مردم اندونزی می‌دانند که رشوه بخشی از سیستم دولتی این کشور شده است. متأسفانه پلیس و بخش قضایی این کشور نیز بسیار ضعیف بوده و خود جزئی از همین سیستم دولتی فاسد محسوب می‌شوند. تغییرات سود جویانه در قراردادهای تجاری و امتیازات انحصاری اعضای خانواده سوهارتو در زمان حکومت وی، از عواملی بودند که موجب ناآرامی دانشجویان و سایر افراد جامعه شد و در نهایت سوهارتو را ساقط کرد.

### ۳. مشکلات اجتماعی و کنترل آن

در اواخر دوره استعمار، سیستم قضایی کشور میان مردم بومی - بیشتر در مناطقی که شاهزادگان محلی آن را اداره می‌کردند - و دولت - در مناطقی که از سوی مسئولان دولتی اداره می‌شد - تقسیم شد. نظام نامه‌های مختلفی در خلال سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۵۰ در این کشور نوشته شد که قانون مدنی استعماری را تایید و بر این مسئله صحنه می‌گذاشتند که این قانون با قانون اساسی کشور در تضاد نمی‌باشد. بر اساس این نظام نامه ها، سه سطح قضایی در کشور اندونزی تعیین شد که عبارت بودند از: دادگاه‌های دولتی، دادگاه‌های ویژه - به منظور استیناف - و دادگاه عالی. رسیدگی به امور عادی قضایی در مناطق و نواحی مختلف کشور بخشی، از وظایف این نهادهای قضایی می‌باشد، و شاهزادگان محلی که زمانی مسئولیت رسیدگی به این امور را داشتند، دیگر وجود ندارند.

جامعه اندونزی، تفکر "کشوری مبتنی بر قانون" را از هلند به ارث برده است، اما اجرای این تفکر در دهه اول استقلال، بسیار مسئله ساز بود. فشار توسعه اقتصادی و مال اندوزی‌های شخصی در رژیم سوهارتو، موجب شد تا سیستم قضایی کشور نیز متمایل به پول و نفوذ گردد.

بسیاری از مردم، از این سیستم قضایی فاسد سوء استفاده کردند، بعضی از وکلا نیز علیه این فساد مبارزه کرده و از حقوق افرادی که از پروژه‌های مختلف توسعه‌ای کشور زیان دیده بودند، دفاع کردند. در آن دوره کمیسیون حقوق بشر ملی در تیمور شرقی تشکیل شد تا این مسائل را بررسی و پیگیری کند، اما تاثیر مثبت و چندانی نداشته است.

همین بی رغبتی در خدمت به جامعه، در نیروی پلیس هم که شاخه‌ای از نیروی نظامی این کشور تا اواخر حکومت رژیم سوهارتو بود، دیده می‌شود. در این دوره تاکید زیادی بر نظم می‌شد و ارتش و پلیس همواره فضایی از ترس و احتیاط در میان عموم مردم، روزنامه نگاران، مخالفان، حامیان حزب کارگر و سایر افرادی که توطئه گر محسوب می‌شدند، ایجاد می‌کردند. کشتار غیر رسمی جنایت کاران احتمالی و دیگران، با اتکا به ارتش در بعضی از مناطق شهری و روستایی کشور و کشتار فعالان حقوق بشر، به ویژه در منطقه "آتجه"<sup>۱</sup> پیوسته رخ می‌دهد. اکنون که رسانه‌های گروهی و جمعی این کشور، تحت کنترل شدید این رژیم نیستند، روزانه گزارش‌هایی از این حوادث هولناک منتشر می‌کنند. در سال‌های ۱۹۹۹-۲۰۰۰ حملات پارتیزانی علیه متهمان به نقض قانون در شهرها و بعضی مناطق روستایی این کشور بسیار رایج شد که عاملی برای افزایش خشونت در جامعه به شمار می‌رفت. در فضای ناآرام جامعه در آن دوره، ترکیبی از خشونت میان پناهندگان تیمور غربی، قتل‌های فرقه‌ای بین مسلمانان و مسیحیان در سولاوسی و مالوکو و خشونت‌های جدایی طلبان در آتجه و پاپائو دیده می‌شد که در تمام آنها، عوامل پلیس و ارتش به جای کنترل اوضاع، به آنها دامن می‌زدند.

در روستاها بسیاری از مشکلات هرگز به پلیس گزارش نمی‌شود و هنوز هم بزرگان این روستاها با توافق بین طرفین، اختلافات را حل و فصل می‌کنند. مراجع محلی، اغلب تنها مراکزی هستند که در این گونه اختلافات مورد استفاده قرار می‌گیرند. در بعضی موارد قبل از طرح مسائل در دادگاه‌ها و گاهی هم بعد از طرح مسائل در دادگاه‌ها از سوی افرادی که از حکم دادگاه رضایت ندارند، مورد استفاده قرار می‌گیرند. در مناطقی از کشور که قومیت‌های مختلف در کنار یک دیگر زندگی می‌کنند، اختلافات میان اعضای گروه‌های قومیتی مختلف ممکن است توسط رهبران آنها، یک دادگاه محلی، و یا با نزاع حل و فصل شود. در بسیاری از مناطق میان این گروه‌ها در یک دادگاه محلی، توافق نامه‌ای تهیه می‌شود که از این اختلاف جلوگیری می‌کند و در بسیاری از مناطق روستایی نیز مراکزی قضایی وجود دارد. رسم محلی در حل و فصل اختلافات و اعاده حقوق افراد این گونه است که معمولاً خطاکاران به زندان نمی‌افتند ( این مسئله را نوعی بی عدالتی می‌دانند) و در عوض آزاد گذاشته می‌شود تا بتواند حقوق پایمال شده فرد دیگر را جبران کند. البته این رسم کنترل اجتماعی در بیشتر شهرها که حرکت و جا به جایی مردم بسیار زیاد است کاربرد نداشته و از آن جا که سیستم قضایی نیز مؤثر نمی‌باشد، پیروی از اصول جمعیت‌های دینی و مذهبی بیشتر رایج است.

<sup>۱</sup> Atjeh



#### ۴. فعالیت نظامی

نیروهای نظامی جمهوری اندونزی<sup>۱</sup> متشکل از ارتش - در حدود ۲۱۴۰۰۰ پرسنل - نیروی دریایی - در حدود ۴۰۰۰۰ - نیروی هوایی - نزدیک به ۲۰۰۰۰ - و اخیراً نیروی پلیس - تقریباً ۱۷۱۰۰۰ - می‌باشد. به علاوه، تقریباً سه میلیون نیروی غیرنظامی نیز در گروه‌های دفاعی، واحدهای دانشجویی و سایر واحدهای امنیتی کشور آموزش نظامی دیده اند. ارتش، نخستین نیروی نظامی این کشور است که؛ اعضای ارتش بومی هلند<sup>۲</sup> - در زمان استعمار - و نیروی دفاعی میهن<sup>۳</sup> - که توسط ژاپنی‌ها حمایت مالی می‌شدند - پایه گذاری شد. در ابتدای تاسیس ارتش، بیشتر سربازان نیروی دفاعی میهن وارد آن می‌شدند، اما بعد از ترک ژاپنی‌ها داوطلبان زیادی به ارتش پیوستند. بسیاری از نیروهای نظامی بومی توسط خود مردم و با تجربه نظامی بسیار کم رهبری می‌شدند، اما موفقیت آنها در جنگ استقلال، موجب شد تا قهرمانان محلی شناخته شوند. ارتش اندونزی بعد از استقلال، گروه‌های پارتیزان و جنگ جویان غیرنظامی و نیروهای محلی را به ارتشی مرکزی و مدرن با ساختاری ملی و آموزش دیده تبدیل کرد.

نیروهای نظامی ابتدا نیرویی با دو لایه مسئولیتی بود: یکی، نیروی دفاع از میهن و ایجاد امنیت جامعه و دیگری، نیروی اجتماعی و سیاسی با ساختاری منطقه‌ای - جدای از ساختار نیروی جنگی - که با دولت غیرنظامی از سطح استان گرفته تا بخش‌ها و زیربخش‌ها و حتی روستاها برابری می‌کرد. ژنرال سوهارتو رهبر یک ارتش ضدکمونیست و ملی بود که به قدرت رسید و با اتکا به قانون "نظم جدید"، ارتش را به نیروی اصلی کشور تبدیل کرد. کاربردهای امنیتی، اجتماعی و سیاسی ارتش عبارت بود از: کنترل اقدامات اجتماعی و سیاسی در سطوح ملی و محلی، ایجاد کردن ادارات و تشکیلات مناسب برای پرسنل دولتی، سانسور رسانه‌های گروهی و جمعی و کنترل مخالفان، سازماندهی نیروهای دولتی در روستاها برای درک بهتر نیازهای محلی و کمک به توسعه روستایی و پرکردن پُست‌های نمایندگان. ارتش در حال حاضر مالکیت صدها تشکیلات تجاری و دولتی را دارد که در حدود سه چهارم بودجه این نیرو را تأمین می‌کنند. به علاوه، این ارتش قدرت مند و کارمندان غیرنظامی این نیرو، جای گاه امن برای تجارت بازرگانان چینی در این منطقه ایجاد کرده است که به طور مشترک از مزایای تجارت و سرمایه گذاری سیاسی سود می‌برد.

#### رفاه اجتماعی و برنامه‌های تحول

مسئولیت بیشتر برنامه‌های ملی سلامت عمومی و رفاه اجتماعی در وهله اول بر عهده دولت اندونزی و در وهله بعد با مؤسسات و سازمان‌های دینی و خصوصی در کشور می‌باشد با این که از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ سرمایه گذاری‌های بسیاری در زمینه راه سازی و احداث خانه‌های بهداشت در مناطق روستایی و شهری این کشور انجام گرفته، زیرساخت‌های اصلی، در بسیاری

<sup>۱</sup> Angkatan Bersenjata Republik Indonesia: ABRI

<sup>۲</sup> Royal Netherlands Indies Army

<sup>۳</sup> Japanese-sponsored Motherland Defenders

از مناطق کشور با مشکلات زیادی رو به رو هستند. سیستم دفع زباله و آب‌های زائد در بسیاری از مناطق شهری بسیار ضعیف بوده و آلودگی کانال‌های آب گذر و رودخانه‌ها، به ویژه در مناطق صنعتی جدید مثل جاوه غربی، گسترش زیادی یافته است. برنامه‌های رفاهی برای افراد فقیر و بی بضاعت ناچیز بوده و فعالیت‌های توسعه‌ای در روستاها در مقایسه با در شهرها بسیار اندک می‌باشد. گسترده‌ترین و موفق‌ترین تلاش‌ها در رفع نیازهای اجتماعی مردم، اجرای برنامه ملی تنظیم خانواده است که مؤسسات دولتی و خصوصی در کنار هم تلاش ویژه‌ای برای کاهش رشد جمعیت در جاوه و سایر مناطق کشور کرده‌اند. انتقال جمعیت مناطق روستایی جاوه به مناطق بدون جمعیت جزایر خارجی در سوماترا، کالیمانتان، سولاوسی و پاپوآی غربی هم که دولت استعماری هلند آن را در قرن بیستم آغاز کرده بود و با جدیت بیشتری از سوی دولت اندونزی ادامه یافته است. این انتقال، موجب توسعه کشاورزی در بیشتر مناطق خارجی کشور شده، اما تراکم جمعیتی در منطقه جاوه را چندان کاهش نداده و در ضمن موجب بروز مشکلات زیست محیطی و اختلاف اجتماعی و قومیتی میان مردم بومی و افراد انتقال یافته آن مناطق هم شده است.

### سازمان‌های غیردولتی و انجمن‌های دیگر

سازمان‌های غیردولتی<sup>۱</sup> - با توجه به این که سازمان‌های دولتی باید فعالیت بیشتری از خود نشان می‌دادند - با وجود سرمایه محدود و فشارهای سیستم دولتی و محدودیت آنها به مناطق شهری، سابقه‌ای درخشان در حوزه فعالیت‌های اجتماعی در این کشور دارند. این سازمان‌ها در حوزه‌هایی مثل دین، برنامه ریزی خانواده، آموزش، بهداشت روستایی، کمک‌های قضایی، حقوق کارگران، نوع دوستی، نیازهای منطقه‌ای و قومیتی، ادبیات، هنر و محیط زیست فعالیت داشته‌اند. سازمان‌های غیردولتی اسلامی و مسیحی نیز در زمینه‌هایی مثل آموزش و خدمات درمانی و بهداشتی از اوایل قرن بیستم فعال بوده‌اند. سازمان‌های بین‌المللی و خارجی دینی و بشر دوستانه و سازمان‌های ملی، از تلاش‌های دولت و سازمان‌های غیردولتی در حوزه‌های اجتماعی حمایت و پشتیبانی کرده‌اند. ماهیت استبدادی رژیم سوهارتو موجب بروز اختلاف میان دولت و سازمان‌های غیردولتی در حوزه‌هایی، مثل کمک‌های قضایی، حقوق کارگران و حفاظت از منابع طبیعی کشور گردید. البته دولت به دنبال همکاری با بعضی از این سازمان‌ها بوده است. به علاوه، حمایت خارجی از سازمان غیردولتی موجب اختلاف میان دولت‌های محلی و دولت مرکزی نیز شد، زیرا این حمایت خارجی نوعی حرکت سیاسی محسوب می‌شد. با سقوط رژیم "نظم جدید" و فروکش کردن فشارهای ناشی از اصلاحات از سال ۱۹۹۸، هر چند اقتصاد بیمار کشور، منابع سازمان‌های غیردولتی را تحت فشار قرار داده است، فعالیت این سازمان‌ها در حوزه‌های مختلف در حال رشد است.

### شرایط و حقوق وابسته به جنسیت

<sup>۱</sup> NGOs

## ۱. توزیع کار بر پایه جنسیت

مردان و زنان اندونزیایی در بسیاری از کارهای کشاورزی به طور مشترک فعال بوده و بعضی از کارها، مثل شخم زدن زمین ویژه مردان و دروی محصولات ویژه زنان است. در این جامعه هدف اصلی این است که کار صورت گیرد. زنان و مردان ممکن است در باغها و بوستانها کار و فعالیت کنند، اما مردان بیشتر در باغها مشغولند. از دیگر کارهای مخصوص مردها، شکار و ماهی گیری است که گاهی موجب دوری طولانی مدت آنها از محیط خانواده می‌گردد. در این صورت، زنان تمام کارهای کشاورزی و باغبانی را انجام می‌دهند. زنان شهری نیز در مغازه‌ها، کارخانه‌های صنعتی کوچک و بازارها و نیز کارهای تجاری سطح بالا مشغولند، اما تعداد این زنان کمتر از مردان می‌باشد. بسیاری از معلمان مقطع ابتدایی زن هستند، اما معلمان مقاطع بالاتر، استادان کالجها و دانشگاهها با وجود برابری تعداد دانش آموزان و دانشجویان پسر و دختر، بیشتر مرد هستند. بیشتر مشاغل دولتی، چه در دولت مرکزی و چه در دولت‌های محلی، از آن مردان است، هر چند زنان نیز در پُست‌های دولتی مختلف فعالیت کرده و یکی از وزرای کابینه سابق در این کشور نیز زن بوده است.

خانم "مِگاواتی سوکارنوپوتری"<sup>۱</sup> از کاندیداهای سابق ریاست جمهوری کشور اندونزی بود، که البته بیشتر اعتبار خود را وام دار پدرش، سوکارنو<sup>۲</sup>، اولین رئیس جمهور کشور بود. بسیاری از رهبران مسلمان جامعه اندونزی، این کاندیدای زن را به دلیل جنسیتش رد کردند، اما وی در انتخابات قوه مقننه کشور در سال ۱۹۹۹ بیشترین رای را به دست آورد.

## ۲. وضعیت نسبی زنان و مردان

با این که کشور اندونزی جامعه‌ای مسلمان می‌باشد، افرادی که خارج از این جامعه و مرزها قرار دارند تصور می‌کنند زنان در این کشور، جایگاهی رفیع دارند، اما جای گاه و حقوق زنان در گروه‌های قومیتی مختلف و در میان مسلمانان، بسیار متفاوت می‌باشد. تقریباً در همه نقاط کشور، ایدئولوژی جنسیتی موکد این است که مردان، رهبران جامعه، تصمیم گیرنده و حلقه ارتباطی جامعه و محیط خارج از آن و زنان، ستون اصلی خانه و نگهبان ارزش‌های خانواده‌اند.

## ازدواج، خانواده و خویشاوندی

### ۱. ازدواج

مردم اندونزی از طریق ازدواج و پذیرفتن وظایف متقابل زن و شوهر، به بلوغ کامل می‌رسند. در این کشور، کسی نمی‌پرسد که "آیا او ازدواج کرده است؟"، بلکه می‌پرسد "آیا او تاکنون ازدواج نکرده است؟" که جواب آنها به ترتیب "بله" و "نه هنوز" می‌باشد. حتی هم جنس بازان هم، برای ازدواج تحت فشار خانواده خود هستند. بعضی از جوامع خاص در سوماترا و منطقه شرق اندونزی، ازدواج میان خانواده‌ای انجام می‌دهند که بیشتر با اعضای خانواده پدری است.

<sup>۱</sup> Megawati Sukarnoputri

<sup>۲</sup> Sukarno

در این جوامع، رابطه میان خانواده زن و خانواده مرد برای ساختار جامعه بسیار مهم و مستلزم انجام معاملات تجاری و ارائه خدمات به یک دیگر در تمام طول عمر خانواده است. مردم باتاک نمونه‌ای از این گونه جوامع هستند. خانواده و ازدواج خانوادگی برای این مردم، چه در محل اصلی زندگی آنها در کوهستان‌ها و چه در شهرهای دوری که بدان جا مهاجرت کرده اند، بسیار حائز اهمیت می‌باشد. چنین ازدواجی موجب پایداری روابط میان خانواده‌ها و طوایف می‌گردد، و البته خانواده‌ها به علاقه افراد برای ازدواج، یک دیگر نیز توجه می‌کنند؛ همان طور که به مسئله تحصیلات، اشتغال و ثروت فرد نیز توجه دارند.

در بعضی از جوامع، اعتقادی به ازدواج فامیلی وجود ندارد و عشق مهم ترین عامل ازدواج است، اما تحصیلات، شغل و ثروت فرد در جوامع شهری و توان کاری بالا و دست رسی به منابع شغلی در روستاها، از جمله عوامل تعیین کننده در امر ازدواج هستند. برای مثال، در میان خانواده‌های جاوه‌ای و باگیس<sup>۱</sup> هرچه وضعیت اجتماعی خانواده بالاتر باشد، رغبت خانواده طرف مقابل برای ازدواج بیشتر می‌گردد. در بیشتر بخش‌های اندونزی، ازدواج از مهم ترین ابزارهای توسعه و پیشرفت وضعیت اجتماعی فرد و خانواده [و نیز افت این وضعیت] محسوب می‌شود. نحوه طلاق و ازدواج مجدد در گروه‌های اجتماعی مختلف این کشور متفاوت می‌باشد. در میان مسلمانان این امور در دادگاه‌های اسلامی و بر اساس قوانین اسلامی صورت می‌گیرد و در میان غیرمسلمانان دادگاه مدنی کشور مسئول پی گیری امور است. در میان مسلمانان و بسیاری دیگر از جوامع سنتی این کشور، مردان، بیشتر برای طلاق پیش قدم می‌شوند. پی گیری امور مربوط به طلاق و ازدواج مجدد به عهده بزرگان محلی و یا مسئولان مربوطه و شرایط آن، بسته به نوع گروه قومیتی، متفاوت می‌باشد. بطور کلی، جوامعی مثل باتاک، که گروه‌های خویشاوندی مستحکم دارند، از طلاق تا حد امکان دوری شده و این عمل به ندرت در میان آنها رخ می‌دهد. در چنین جوامعی حتی ممکن است، فردی برای استحکام بیشتر خانواده با زن برادر متوقای خود، ازدواج کند. در جوامعی مثل جاوه که چنین گروه‌های خویشاوندی وجود ندارند، آمار طلاق بسیار بالاتر بوده و ممکن است هر کدام از طرفین (زن و مرد) برای اینکار پیش گام شوند. در اندونزی ازدواج مجدد نیز بسیار آسان است. جاوه‌ای‌هایی که جزو طبقه بالای جامعه نیستند بیشترین آمار طلاق را دارند، ولی در میان خانواده طبقه بالا و ثروت مند در جاوه بسیار نادر می‌باشد.

چند همسری در میان مسلمانان، بعضی از چینی‌های مهاجر و بعضی جوامع سنتی کشور، رایج است، اما در میان مسیحیان دیده نمی‌شود. البته چنین ازدواج‌هایی بسیار کم صورت می‌گیرند. ازدواج میان اعضای گروه‌های مختلف قومیتی و نژادی که بیشتر در مناطق شهری زندگی می‌کنند و نیز در میان افراد تحصیل کرده این گروه‌ها نیز، بسیار نادر می‌باشد.

## ۲. نهاد خانواده

<sup>۱</sup> Bugis

در اندونزی تعداد خانواده‌هایی که از هسته اصلی پدر، مادر و فرزند تشکیل شده‌اند بسیار زیاد است، البته گاهی نیز پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها و برادر یا خواهر مجرد نیز در یک خانواده زندگی می‌کنند. چنین خانواده‌هایی هم در شهرها و هم در بین جوامع ساکن مناطق دوردست خارج از شهر فراوان دیده می‌شوند و وجود این گونه خانواده‌ها، ارتباطی طوایف و خاندان‌های سنتی در جامعه ندارد. البته، خانواده‌های سنتی و روستایی مینانگکابائو استثنا هستند که هنوز هم متشکل از زنان (مادران و مادربزرگ)، دختران ازدواج کرده و یا مجرد و پسران هستند که به هم در خانه‌های قدیمی و سنتی بزرگ زندگی می‌کنند. در این خانه و خانواده‌ها، شوهران فقط برای ملاقات نزد همسر خود رفته و در شبستان خانه اقامت می‌کند. در بعضی جوامع مثل کارو<sup>۱</sup> در سوماترا و یا دایاک<sup>۲</sup> در کالیمانتان، مردم در خانه‌های بزرگ با اتاق‌ها و شبستان‌های زیاد که متعلق به خانواده‌ها هستند، زندگی می‌کنند.

### ۳. وراثت

الگوهای وراثتی در کشور اندونزی، حتی در درون هر یک از جوامع این کشور نیز بسیار گوناگونند. در میان مسلمانان، هم چون بسیاری از جوامع سنتی دیگر، ارث و میراث بیشتر به نفع مردان خانواده می‌باشد - البته در خانواده‌های طایفه‌ای که قبلاً توضیح داده شد، استثنا وجود دارد و زمین‌ها به طور کلی میان زنان خانواده تقسیم می‌شوند - در این کشور اختلافات ایجاد شده بر سر ارث و میراث، هم چون مسئله طلاق، در دادگاه‌های اسلامی، دادگاه‌های مدنی و یا از طریق وساطت بزرگان در روستاها حل و فصل می‌گردند. در بسیاری از جوامع این کشور، میان آن بخش از دارایی که به ارث گذاشته می‌شود و به دست می‌آید، تفاوت وجود دارد؛ آن دسته از دارایی‌ها که به ارث گذاشته شده‌اند در خانواده پخش شده و آن دسته از دارایی‌ها که به واسطه شغل و تجارت کسب شده‌اند، به فرزندان و همسر متوفا می‌رسد. همین فرایند در هنگام بروز طلاق نیز در خانواده صورت می‌گیرد. زمین در بسیاری از مناطق کشور، جزو دارایی‌های جمعی طایفه و یا گروه محلی بوده و وسایل خانه، لوازم شخصی و تجهیزات و ابزارهای تولیدی متعلق به فرد یا جزو اموال خانواده محسوب می‌شوند. در بعضی مناطق، درختانی مانند کائوچو که کاربرد تجاری بالایی دارند، ممکن است مالک شخصی نیز داشته باشد، اما کشتزارهای برنج همیشه مالکیت جمعی داشته‌اند. با تغییر شرایط اقتصادی کشور، و پیدایش عقاید جدید در خصوص دارایی‌های شخصی و افزایش نیاز به سرمایه، قوانین مربوط به مسئله ارث و میراث نیز در حال تغییر هستند که می‌تواند اختلافاتی در جامعه ایجاد کند و سیستم قضایی ضعیف جامعه توان رفع این مشکلات را نخواهد داشت.

### ۴. گروه‌های خویشاوندی

بسیاری از گروه‌های قومیتی در اندونزی، سیستم طایفه‌ای مستحکمی مبتنی بر پدرسالاری،

<sup>۱</sup> Karo

<sup>۲</sup> Dayak

مادرسالاری و یا ترکیبی از آن دو می‌باشند. این گونه خانواده‌ها، عمدتاً در سوماترا، کالیمانتان، مالاکو، سولاوسی و لسر سونداس شرقی زندگی می‌کنند. در بسیاری از خانواده‌های این کشور سیستم پدرسالاری مرسوم است و مادرسالاری در بعضی از جوامع مثل جامعه مینانگابائو در سوماترای غربی و تتون<sup>۱</sup> جنوبی - در تیمور غربی - وجود دارد. بعضی از جوامع در منطقه کالیمانتان و سولاوسی و نیز جاوه دارای سیستم‌های خانوادگی مرکب از هر دو نوع پدرسالاری و مادرسالاری هستند.

زندگی طایفه ای، پیشینه‌ای بسیار طولانی در کشور اندونزی دارد. اجرای قوانین درباره این گونه طوایف، می‌تواند بسیار مشکل و طاقت فرسا باشد، اما از بسیاری از جهات می‌تواند از زندگی افراد پشتیبانی کند. در این کشور سازمان‌های دولتی و غیردولتی امنیت اجتماعی، بیمه بیکاری، خدمات مراقبتی از سال مندان و کمک‌های قضایی را ارائه نمی‌کنند. در مقابل، طایفه‌ها و خانواده‌های بزرگ می‌توانند این گونه خدمات را برای اعضای خود داشته باشند. افزون بر این خدمات مهم خانواده به اعضای خود، ارائه می‌دهد، حل مسائل مربوط به میراث خانواده، حمایت از اعضای خانواده و سرپرستی خانواده نیز از جمله خدماتی هستند که بخش‌های خصوصی و سرویس‌های دولتی به خانواده‌ها ارائه می‌دهند.

### اجتماعی سازی (جامعه‌پذیری)

#### تربیت و آموزش کودکان؛

به طور کلی در نظام آموزش دولتی، کمیت در مقایسه با کیفیت برتری دارد. تجهیزات آموزشی بسیار ضعیف بوده و حقوق معلمان نیز آن قدر کم است که آنها مجبورند برای گذران زندگی خود به شغل دوم متوسل شوند.

#### آموزش عالی؛

دولت استعماری هلند، آموزش زبان هلندی و زبان‌های بومی را در کشور اندونزی بسیار محدود می‌کرد و مردم بیشتر برای کار در بخش خدمات عمومی، صنعت و بهداشت و درمان، آموزش می‌دیدند. در زمان استقلال در سال ۱۹۵۰، جمهوری اندونزی مدارس و دانشگاه‌های بسیار اندکی داشت. در پنج دهه بعد از استقلال، آموزش عمومی، مهم‌ترین اولویت دولت بوده و امروزه بسیاری از مردم اندونزی از دانشگاه‌های خارج از کشور، مدارج دانشگاهی عالی کسب کرده و بیشتر آنها برای خدمت به کشور خود بازگشته‌اند. دولت اندونزی تلاش برای گسترش آموزش در کشور، از نهادهایی مثل بانک جهانی، آژانس‌های سازمان ملل، دولت‌های خارجی و نهادهای خصوصی کمک‌های قابل توجهی دریافت کرده است. در حال حاضر افراد تحصیل کرده جامعه در تمام سطوح در دولت مرکزی و دولت‌های محلی فعال هستند و بخش خصوصی نیز از تلاش‌های آموزشی در کشور سود زیادی برده است. در مدارس ابتدایی، دانشگاه‌ها و موسسات خصوصی اسلامی و مسیحی که در شهرهای بزرگ و حومه آنها ساخته شده‌اند، هم

<sup>۱</sup> Tetun

موضوعات دینی و غیردینی آموزش داده می‌شوند.

ساختار آموزش عالی در اندونزی، مبتنی بر تئوری، با مشکلاتی چون آزمایشگاه‌های علمی ضعیف، کمبود کتاب‌های آموزشی و ضعف در کاربرد زبان انگلیسی رو به روست، لذا بسیاری از دانشجویان نتوانسته‌اند از کتب آموزشی انگلیسی استفاده کنند. تحقیقات در کشور اندونزی بسیار محدود است و بیشتر در خصوص پروژه‌های دولتی و یا شرکت‌های خصوصی صورت می‌گیرند و البته برای پژوهش گران، امکان افزایش درآمد را فراهم می‌آورد.

از اواخر دهه ۷۰ تا اواخر دهه ۹۰ شمار مدارس خصوصی و دانشگاه‌های اندونزی بیشتر شده و سطح کیفی آموزش بهبود یافته است و دانش آموزان و دانشجویان مختلفی در این مراکز تحصیل کرده‌اند. (چینی‌های مقیم این کشور هم که زمانی از تحصیل در دانشگاه‌های دولتی این کشور محروم بودند، اکنون می‌توانند در این دانشگاه‌ها تحصیل کنند). کلاس‌های درس بسیاری از رشته‌های دانشگاهی، توسط اساتید دانشگاه‌های دولتی که حقوق بالایی دارند، در نوبت عصر و شب برگزار می‌شوند.

دولت استعماری هلند، آموزش را تا حدی که افرادی برای پُست‌های موجود در بخش خدمات اجتماعی آن زمان تربیت شوند، مجاز کرده بود. آموزش عمومی در اندونزی در آن زمان با فلسفه‌ای کاملاً متفاوت موجب شد که حتی در هنگام اوج پیشرفت اقتصادی کشور، فارغ التحصیلانی بیشتر از ظرفیت شغلی موجود تربیت شوند. این مسئله هم چنین موجب آشفته‌گی افراد تحصیل کرده‌ای شد که به دنبال شغل مناسب در شهرها بودند، اما نمی‌توانستند شغلی متناسب با خواسته‌های فرد تحصیل کرده، بیابند.

دانشجویان اندونزیایی از دهه بیست تاکنون از جمله فعالان سیاسی جامعه بشمار می‌رفته و می‌روند. رژیم "نظم جدید" سوهارتو تلاش‌های بسیاری کرد تا فرصت‌های آموزشی را در جامعه گسترش دهد و در این راه در برنامه آموزشی کشور نیز تغییراتی ایجاد کردند، و فعالیت دانشجویان را کنترل کردند و افرادی را در پُست‌های دانشگاهی قرار دادند تا بتوانند به راحتی این جای گاه‌ها را کنترل کنند. به عنوان مثال، دانشکده‌های جدید دانشگاه اندونزی<sup>۱</sup> در نزدیکی جاکارتا و دانشگاه حسن الدین<sup>۲</sup> در نزدیکی ماکاسار<sup>۳</sup> در مکان‌هایی دورتر از مکان قبلی خود که در مرکز این شهرها بود ساخته شدند تا مانع اقدامات سیاسی دانشجویان در شهرها شوند.

### آداب معاشرت

وقتی سوار اتوبوس جاکارتا می‌شویم، یا در انبوه جمعیت در اداره پست دست و پا می‌زنیم و یا وقتی برای تماشای یک بازی فوتبال به محل مربوط می‌رویم، این فکر به ذهن می‌رسد که در اندونزی تنها روش برخورد با سایرین استفاده از فشار و زور است. این روش، موجب ناراحتی

<sup>۱</sup> University Of Indonesia

<sup>۲</sup> Hasanuddin University

<sup>۳</sup> Makassar

دایمی افراد از وضعیت ارائه خدمات در جامعه و بازار شده است. در این میان، زنان بیشتر در رنجند. در بعضی مکان‌ها وقتی یک زن در حال قدم زدن و یا سوار بر دوچرخه است مورد آزار مردان جوان قرار می‌گیرد. اما رفتار اجتماعی در این کشور تفاوت بسیاری با رفتار در اجتماعات خصوصی دارد. در خانه، افراد با یک دیگر با صدای بلند صحبت می‌کنند و همواره با یک دیگر شوخی کرده و می‌خندند. در این گونه محافل افراد در کنار یک دیگر روی زمین نشسته و با میهمانان، مردان و بزرگان خانواده به احترام رفتار می‌کنند. وقتی میهمان به خانه می‌آید افراد خانواده از ابراز احساسات شدید و انجام حرکات نامناسب صورت، دست‌ها و بدن نزد او خودداری می‌کنند. هنگام میهمانی، نوشیدنی و غذا تدارک دیده می‌شود، اما این کار به محض ورود میهمان انجام نمی‌گیرد و میهمان باید منتظر دعوت بماند و صبر، بسیار مهم و حرص در خوردن غذا زشت است. میزبان برای میهمان خود غذای مناسب تدارک می‌بیند و از میهمان برای این که ممکن است غذا چندان خوب نباشد، عذرخواهی می‌کند.

وقتی به میهمان چای تعارف می‌شود و یا مبلغ کالا به مغازه دار داده می‌شود و یا هزینه تمبر در اداره پست به مسئول داده می‌شود، بر اساس رسم مسلمانان فقط از دست راست استفاده می‌شود (از دست چپ فقط در دستشویی استفاده می‌گردد). وقتی از میهمان پذیرایی می‌شود و یا وقتی کوچک تر به بزرگ تر می‌رسد، با کمی خم شدن به وی احترام می‌گذارد. دست دادن در میان مردان برای احوال پرسى بسیار رایج است و مسلمانان بعد از دست دادن با یک دیگر، دست خود را روی سینه می‌گذارند. در میان مردم رسم است که وقتی با فردی صمیمی نشده اند، احساسات منفی مثل حسادت، غم و عصبانیت خود را به او نشان نمی‌دهند. مردم در برخورد با یک دیگر لبخند می‌زنند، رفتاری آرام دارند و مخصوصاً در برخورد با افرادی که به لحاظ اجتماعی از آنها بالاترند، مستقیماً به چشمان آنها نگاه نمی‌کنند. دقت به جزئیات ظاهر فرد هنگام برخورد و صحبت در میان مردم اندونزی، نشانه بی ادبی است. در کتاب‌های راهنمای مسافران کشور اندونزی آمده است که مردم این کشور انتظار دارند غربی‌ها انسان‌هایی خوش قول باشند و کارهایشان را سر موقع انجام می‌دهند. افراد جنس مخالف در این کشور به ندرت در مکان‌های عمومی دست یک دیگر را می‌گیرند - البته در بازار جاکارتا این کار استثنائاً صورت می‌گیرد - اما مردان و زنان دست همجنس خود را هنگام قدم زدن با یک دیگر، می‌گیرند.

آراستگی ظاهر در مراسم عروسی و در مکان‌های شلوغ، مثل اتوبوس‌های پر از جمعیت، اهمیت بسیار دارد. کارمندان بخش خدمات اجتماعی، دانش آموزان و معلمان همگی در محل کار خود لباس ویژه کار می‌پوشند.

مردم منطقه جاوه در رفتار و نوع برخورد خود بسیار دقت کرده و می‌دانند در چه موقعیت‌هایی باید رفتار مناسب و همراه با ادب<sup>۱</sup> داشته و در چه موقعیت‌هایی خلاف آن<sup>۱</sup> عمل

<sup>۱</sup> halus



کنند و کودکانی که تاکنون یاد نگرفته‌اند چگونه در صحبت کردن، حرکات و به طور کلی، رفتار خود ادب و نزاکت را رعایت کنند، "جاوه ای" محسوب نمی‌شوند. این مسئله در مورد افرادی که رفتار درست فرهنگی و اجتماعی آنها از نظر جاوه ای‌ها مناسب نمی‌باشد، صادق است. به عنوان مثال، مردم منطقه باتاک ممکن است در نظر مردم جاوه به لحاظ اجتماعی بی ادب و نا پخته باشند، چراکه مردم باتاک در سخن گفتن و رفتار خود بسیار بی پرده بوده و در روابط فردی خود منشی جدلی در پیش می‌گیرند. به علاوه، همسر یک مرد اهل باتاک، باید همسر تمام مردان هم نژاد خود نیز باشد - البته نه به معنای داشتن روابط جنسی - که یک زن جاوه‌ای ممکن است آن را نپذیرد. مردم بوگیس جا زدن در مقابل مشکلات را بسیار بد می‌دانند و فردی که در یک مبارزه بحثی و جدلی کنار می‌کشد و فقط لبخند می‌زند فردی نا محترم شمرده می‌شود، درحالی که جاوه ای‌ها این گونه فکر نمی‌کنند؛ مردم جاوه کسی را که از آبرو و عزت و مخصوصاً همسر خود، حتی با توسل به خشونت دفاع کند، بسیار محترم می‌شمرند. از این رو، اختلاف میان مردم جاوه و سایر مناطق اندونزی در آداب معاشرت و منش و رفتار اجتماعی، کاملاً روشن است. یک زن جاوه‌ای که همسر یک مرد اهل باتاک شده، ممکن است با برادر شوهر خود که برای ملاقات او آمده، آن طور که انتظار می‌رود، برخورد خوبی نداشته باشد. یک جوان جاوه‌ای ممکن است به یک دختر اهل بوگیس لبخند زده و با او با ادب احوال پرسی کند، اما این کار موجب خشم برادر و یا پسرعموی دختر شده و ممکن است کار به خشونت و خون ریزی هم بکشد. یک کارمند بخش اجتماعی اهل باتاک ممکن است افراد زیردست خود را به طور مودبانه ملامت و تنبیه کند که در این حالت احترام میان آنها در دید زیردستان جاوه‌ای از بین می‌رود. آن دسته از مردم اهل باتاک که به شهرهای منطقه جاوه مهاجرت کرده اند، عصرها برای مهاجران جدید به این شهرها، کلاس‌های آموزش نوع برخورد با جاوه ای‌ها و سوندانی‌ها برگزار می‌کنند. احتمال بروز اختلافات و درگیری‌های قومیتی در دهه‌های اخیر در اندونزی بیشتر شده است، چون دولت، مردم بسیاری را از جاوه به جزایر خارجی و مردم زیادی را از جزایر خارجی به منطقه جاوه منتقل کرده است.

## دین

### ۱. باورهای دینی

کشور اندونزی دارای بزرگ ترین جمعیت مسلمان دنیاست و بر اساس سرشماری جمعیتی سال ۱۹۹۰، ۸۷ درصد جمعیت این کشور مسلمان هستند. در این کشور علاوه بر مسلمانان، اقلیت تحصیل کرده و تاثیرگذار مسیحی ( حدود ۹/۶ درصد جمعیت کل کشور بر اساس سرشماری سال ۱۹۹۰) نیز وجود دارند. مردم بالی هنوز به فرقه‌ای از مکتب هندو معتقدند و اندیشه‌های صوفیه نیز بیشتر در میان نخبگان و روشن فکران و نیز طبقات متوسط جامعه جاوه رواج دارد و اعضای بسیاری از گروه‌های قومیتی این کشور، معتقد به عقاید دینی سنتی خود

معتقدند. دولت اندونزی، ادیان<sup>۱</sup> اسلام، مسیحیت، هندو و بودایی را به رسمیت شناخته و سایر مکاتب موجود در این کشور را فقط در حد یک مکتب اعتقادی<sup>۲</sup> قبول دارد. در این کشور افرادی که معتقد به مکاتب اعتقادی غیر رسمی هستند، امکان گرایش به سایر مکاتب و ادیان را دارند، اما پیروان ادیان رسمی قادر به این کار نیستند. اعتقاد به ارواح اجدادی، ارواح مکان‌های مختلف و قدیسان در میان افراد معمولی و نیز تحصیل کرده و بسیاری از پیروان مذاهب رایج بوده و جادوگری نیز معتقدان خود را در این کشور دارد. دولت استعماری هلند رابطه چندان خوبی با مسلمانان نداشت، همان گونه که در حال حاضر دولت اندونزی، رابطه مناسبی با مسلمانان ندارد؛ این در حالی است که اولین اصل از اصول اساسی پنج گانه حکومت در این کشور، اعتقاد به خدای متعال<sup>۳</sup> می‌باشد. اما خدای متعال به منزله "الله" که مسلمانان بدان معتقدند، نیست. مخالفان این مفهوم، بسیار تلاش کرده‌اند تا کشور و دولت اندونزی را تبدیل به کشور و دولت اسلامی کنند، اما به دلیل شمار اندک شان موفق نبوده‌اند.

مردم منطقه جاوه اکثراً مسلمان هستند. و تعداد زیادی کاتولیک و پروتستان نیز در این منطقه زندگی می‌کنند؛ به علاوه، شمار زیادی چینی در جاوه و مناطق دیگر این کشور هستند که مسیحی و بیشتر پروتستان می‌باشند. مردم جاوه، اعتقاد مسلم و اکید به دین اسلام ندارند و بیشتر گرایش به مذهب جاوه‌ای دارند که ترکیبی از اسلام و عقاید پیشین هندو و مکتب جان‌گرایی (نسبت دادن ارواح مقدس به حیوانات و انسان‌ها) است. اما، سوندایی‌های ساکن در جاوه غربی، اعتقاد بسیار راسخ، به دین اسلام دارند. سایر گروه‌های مسلمان این کشور عبارتند از: مردم آچه که در سوماترای شمالی زندگی می‌کنند و نخستین مسلمانان اندونزی محسوب می‌شوند، مردم مینانگکابائو، بانجاری‌های<sup>۴</sup> ساکن کالیمانتان جنوبی، مردم بوگیس و ماکاسار که در سولاوسی جنوبی ساکن هستند، سوماوان‌های<sup>۵</sup> ساکن در جزایر لسر سونداس و مردم منطقه ترنات<sup>۶</sup> و تیدور<sup>۷</sup> در مالوکو.

دولت استعماری هلند بسیار کوشید تا اختلافات به سبک اروپایی میان پروتستان‌ها و کاتولیک‌های کشور را از طریق اختصاص دادن مناطق ویژه برای کسانی که به اعتقاد دینی دیگری گرویده‌اند، حل و فصل کند؛ دلیل این امر، این است، امروزه مردم باتاک ساکن سوماترا، مردم دایاک<sup>۸</sup> ساکن کالیمانتان، توراجا و میناندوهای<sup>۹</sup> ساکن سولاوسی و آمبونی‌های<sup>۱۰</sup>

<sup>۱</sup> agama  
<sup>۲</sup> kepercayaan  
<sup>۳</sup> Tuhan  
<sup>۴</sup> Banjarese  
<sup>۵</sup> Sumbawans  
<sup>۶</sup> Ternate  
<sup>۷</sup> Tidor  
<sup>۸</sup> Dayak  
<sup>۹</sup> Menandonese  
<sup>۱۰</sup> Ambonese

مالوکو، پروتستان و مردم فلورس و تتون<sup>۱</sup> ساکن در تیمور شرقی، کاتولیک هستند.

## ۲. عاملان مذهبی

مسلمانان اندونزی بیشتر از فرقه‌های اهل سنت بوده و سیستم رهبری سلسله مراتبی کوچکی دارند. دو سازمان بزرگ اسلامی این کشور به نام‌های "نهضت العلماء"<sup>۲</sup> و "محمدیه"<sup>۳</sup>، که در منطقه جاوه قرار دارند، نقش مهمی در گسترش آموزش، تلاش‌های ملی گرایانه و فعالیت‌های سیاسی بعد از استقلال اندونزی داشته‌اند. رژیم سوهارتو فقط به یک گروه بزرگ سیاسی اسلامی که قدرت کمی داشت، اجازه فعالیت می‌داد، اما بعد از سقوط دولت سوهارتو، احزاب - مسلمان و غیره - بسیاری در کشور ایجاد شد و این دو سازمان هم، نقش مهمی در بحث انتخابات ایفا می‌کنند. رهبر سازمان "نهضت العلماء"، عبدالرحمان وحید<sup>۴</sup> - که پدربرگش این سازمان را بنا نهاده بود - در انتخاب ریاست جمهوری وقت کشور، بر سایرین پیشی گرفت و به رئیس جمهوری کشور برگزیده شد؛ رقیب او، یعنی آمین رئیس<sup>۵</sup>، رئیس سازمان محمدیه نیز به عنوان سخن گوی دیوان وکلای ملت انتخاب شد. در طول این گذار، نیروهای معتقد به تساهل و تسامح از سوی کسانی که خواهان تبدیل دولت اندونزی به یک دولت مسلمان هستند، به چالش کشیده می‌شدند که البته نتیجه آن منازعات نیز نامشخص می‌باشد.

روابط میان مسلمانان و مسیحیان از زمان استعمار در این کشور بسیار وخیم بوده است. دولت استعماری هلند اجازه تغییر آیین دینی را به افراد جامعه نمی‌داد، اما به هیئت‌های تبلیغی مسیحی اجازه می‌داد تا آزادانه غیر مسلمانان را به مسیحیت دعوت کنند. مسلمانان و مسیحیان با توجه به این که در مناطقی جدا از هم زندگی می‌کردند، روابط دوستانه‌ای داشتند. اما از دهه ۷۰ به بعد، مهاجرت‌های گسترده مردم - به ویژه مهاجرت مسلمانان جاوه، سولاوسی و بخش‌هایی از مالوکو به مناطق مسیحی نشین پیشین در کالیمانتان، سولاوسی مالوکو و پاپوای غربی - موجب تغییر آمار پیروان ادیان مختلف و عدم تعادل اقتصادی، و بروز مسائل نژادی و سیاسی شده است. با فروپاشی رژیم سوهارتو، اختلافات و خشونت‌های شدیدی در آمبون<sup>۶</sup> - مرکز استان مالوکو - و سایر جزایر این منطقه و سولاوسی بروز کرد؛ برای مثال خلع سلاح شدن فرماندهان نیروهای نظامی مسلمان و مسیحی در جزایر خارجی این کشور، یکی از دلایل بروز این خشونت‌ها بود. مسیحیان عموماً کاری به سیاست ملی نداشتند و در مقایسه با مسلمانان سازمان‌ها و رهبران کمتری داشتند، اما شمار بی‌تناسبی از مسیحیان در پُست‌های مهم اجتماعی، نظامی، علمی و تجاری کشور حضور دارند که از نتایج تاکید مسیحیان بر

<sup>۱</sup> Tetun

<sup>۲</sup> Nahdatul Ulama (NU)

<sup>۳</sup> Muhammadiyah

<sup>۴</sup> Abdurrahman Wahid

<sup>۵</sup> Amien Rais

<sup>۶</sup> Ambon

آموزش مدرن بوده است. دبیرستان‌ها و دانشگاه‌های مسیحی بسیاری در این کشور به آموزش دانش آموزان و دانشجویان نخبه - حتی غیر مسیحیان - مشغولند و دو روزنامه ملی به نام‌های "کومپاس"<sup>۱</sup> و "سوآرا پمباروئان"<sup>۲</sup> در این کشور وجود دارند که به ترتیب کاتولیک و پروتستان هستند. بعضی از مسلمانان از این مسائل ناخشنود بوده و مسیحیان از دید آنها افرادی فاسد بوده اند، چراکه در زمان استعمار هلند، سازمان‌هایی مسیحی استعمار وابسته بوده و هیئت‌های تبلیغی دینی نیز بیشتر مسیحی بودند، و به علاوه، چینی‌های مقیم این کشور نیز اکثراً مسیحی هستند.

دوره استعمار هلند در اندونزی افرادی که به آیین دینی خاصی معتقد نبودند به کمونیسیم متهم می‌شدند، از این رو در بسیاری از مناطق این کشور، از جمله جاوه - که بسیاری از افراد آن به مسیحیت گرایش یافتند - آمار گرایش به آیین‌های دینی کشور بیشتر شد. در این دوره پیروان مکاتب دینی سنتی نیز تحت فشار زیادی بودند. در مناطقی مثل کالیمانتان و سولاوسی بعضی از مردم و گروه‌ها به یکی از ادیان رسمی گرایش یافتند، اما برخی دیگر به دلایل سیاسی، به مکاتب اعتقادی سنتی می‌گراییدند که دولت وقت آنها را به رسمیت می‌شناخت. برای مثال در میان مردم "انگاجو دایاک"<sup>۳</sup>، سیستم اعتقادی سنتی "کاهارینگان"<sup>۴</sup> به منزله یک سیستم اعتقادی رسمی در شاخه هندو-بودایی توسط دولت پذیرفته شد، در حالی که در واقع این گونه نبود. افراد معتقد به این گونه عقاید سنتی عمدتاً توسط رهبران نظامی و غیرنظامی فعال در شهرها که عمدتاً مسلمان یا مسیحی بودند، انسان‌های بدوی، غیرمنطقی و عقب افتاده محسوب می‌شدند، اما این گروه‌ها برای جذب پیروان جدید و یافتن حامی، شاخه‌ای جدید از سازمان‌های ویژه خود را بر مبنای مدل سازمان‌های غیردینی شهری ایجاد کردند. چنین حرکت‌هایی نشان دهنده مقاومت دینی و قومیتی در برابر فشار تحمیل شده از طرف خارجی‌ها- اغلب گروه‌های مسلمان و مسیحی - و نیز مقاومت در برابر بهره کشی دولت و افسران نظامی و تولید کنندگان خارجی صنایع می‌باشد. در منطقه جاوه، گروه‌های معتقد به مکتب صوفیه، مثل گروه "سوبود"<sup>۵</sup> نیز تلاش‌هایی سیاسی برای کسب حمایت دولت انجام می‌داده و جای گاه و نفوذ آنها بسیار بالاتر و بیشتر از مردم مناطق دوردست بود، زیرا آنها حامیان عالی مقامی، مانند رئیس جمهور، داشتند.

### ۳. تشریفات مذهبی و اماکن مقدس

مسلمانان و مسیحیان اندونزی برای تعطیلات مذهبی دین خود ارزش قائلند؛ برای مثال در منطقه ماکاسار، در جشن روز عید فطر و نیز روز کریسمس چراغ‌های تزئینی مشابهی در کوچه‌ها و سردرخانه‌ها نصب می‌شود. در تقویم ملی کشور اندونزی، تعطیلات مذهبی مسلمانان،

<sup>۱</sup> Kompas

<sup>۲</sup> Suara Pembaruan

<sup>۳</sup> Ngaju Dayak

<sup>۴</sup> Kaharingan

<sup>۵</sup> Subud

مسیحیان و معتقدان به مکتب دینی هندو- بودایی آورده می‌شوند. در بسیاری از مناطق، معتقدان به یکی از ادیان، در تعطیلات مذهبی ادیان دیگر با دید و بازدید و بردن هدایا، احترام خود را به دین آنها نشان می‌دهند. مساجد و کلیساهای این کشور همانند مساجد و کلیساهای سایر کشورهای دنیاست، اما معابد مردم بالی، ظاهری بسیار خاص دارند. این معابد، هم مراکزی برای ارتباط معنوی با خدایان هندو و هم، ابزاری برای کنترل سیستم آبیاری پیچیده منطقه بالی از طریق تقویم روزهای مذهبی است.

ماه رمضان، عید فطر و موسم حج از جمله مهمترین ماه‌ها و مراسم مذهبی مسلمانان کشور اندونزی است و سالانه حجاج فراوانی از این کشور برای زیارت خانه خدا اعزام می‌شوند. در این کشور سفر زیارتی نیز به قبور کسانی که گفته می‌شود دین اسلام را به این کشور وارد کرده اند، مثل "سونان کالیجاگا"<sup>۱</sup> - که مهمترین آنها می‌باشد - انجام می‌گیرد.

مراسم مذهبی مکاتب اعتقادی سنتی در اندونزی، به نوعی نشان از اتفاقاتی دارند که در طول زندگی تمام افراد، ممکن است برای آنها رخ دهد، برای مثال، در بعضی روزهای خاص، مستلزم کنترل خشم و غضب و دل جویی از سایر افراد است و کاهنان، واسطه‌های معنوی (انسان‌هایی که واسطه ارتباط میان فرد با خدایان هستند) و دعاخوان‌های مرد و زن آنها را برگزار می‌کنند. در مناطق مسلمان و مسیحی نشین کشور اندونزی هم نیز ممکن است مردم در روز تولد یا وفات فردی، مراسمی مذهبی برگزار کنند که ماهیتی سنتی دارد و به نشانه احترام و عزت ارواح مکان‌ها و یا قبور اجداد صورت می‌گیرند، گاهی حتی از ساحران و جادوگران نیز برای جادو کردن در آن مراسم استفاده می‌شود. اما نکته‌ای که همیشه در میان پیروان ادیان این کشور موضوع بحث و جدل بوده، دو گونه رسوم پذیرفته شده و رسوم غیرمجاز است. در میان مردم "سعدان توراجا"<sup>۲</sup> در منطقه سولاوسی، قربانی کردن استادانه بوفالو در مراسم تدفین، بخشی از جذابیت‌های توریستی این منطقه بوده و نمایش رسوم محلی برای توریست‌ها در تمام مناطق این کشور مثل منطقه بالی یا جزیره "ساموسیر"<sup>۳</sup> در سوماترای شمالی معمول می‌باشد.

#### ۴. مرگ و زندگی پس از آن

در اندونزی این اعتقاد بسیار فراگیر است که مرده می‌تواند از تمام جهات بر زندگی افراد زنده تاثیر گذارد و مراسم تدفین برای اطمینان از انتقال مناسب روح فرد مرده به دنیای باقی صورت می‌گیرد، با این حال، گورستان‌ها به واسطه حضور ارواح مکان‌هایی خطرناک شناخته می‌شوند. در منطقه جاوه برای مردگان مراسمی خانوادگی و صمیمی در عصرهای روز دوشنبه برگزار می‌کنند. در میان مسلمانان مراسم تدفین باید در مدت ۲۴ ساعت بعد از فوت صورت بگیرد و روحانیان مسلمان حتماً باید در مراسم شرکت داشته باشند. مراسم تدفین مسیحیان

<sup>۱</sup> Sunan Kalijaga

<sup>۲</sup> Sa'dan Toraja

<sup>۳</sup> Samosir

نیز توسط یکی از رهبران کلیسای محلی اجرا می‌گردد. در اندونزی مسلمانان و مسیحیان گورستان‌های ویژه خود را دارند. در منطقه جاوه و بعضی مناطق دیگر علاوه بر مراسم تدفین، مراسم دیگری برای اطمینان از آرامش روح مرده برگزار می‌شود که به اعتقاد مردم، موجب مصون ماندن زندگی از مشکلات و سختی‌ها می‌گردد. در این کشور مراسم تدفین همچون مراسم عروسی با سروصدا و شیون بستگان، همسایه‌ها و دوستان همراه است و در میان گروه‌های قومی مختلف، وضعیت اجتماعی افراد به واسطه شکوه و یا سادگی، مراسم تدفین مشخص می‌گردد. در جوامع مبتنی بر زندگی طایفه‌ای، در مراسم تدفین، میان خانواده‌هایی که از یک دیگر دختر گرفته و یا داده‌اند، هدایایی رد و بدل می‌شود. در چنین جوامعی معمولاً نمایندگان گروهی که به دیگری دختر داده‌اند مسئول برگزاری مراسم تدفین و تشییع پیکر تا محل به خاک سپاری هستند.

در جوامع مختلف کشور اندونزی، مراسم تشییع به شیوه‌های مختلفی برگزار می‌شود و مراسم تدفین، جز برای هندوهای منطقه بالی که اجساد خود را می‌سوزانند، به یک شکل برگزار می‌شود. مردم منطقه سعدان توراجا برای مردگان خود تمثال‌های چوبی بزرگی ساخته و سوراخ‌هایی در بالای قبر به صورت عمودی برای محافظت از قبر قرار می‌دهند. در زمان‌های قدیم، مردم باتاک برای مردگان برجسته خود تابوت‌هایی مستطیل شکل از سنگ می‌ساختند. با ورود مسیحیت به این منطقه این رسم متوقف شد، اما در دهه‌های اخیر مردم شهر نشین باتاک در روستاهای موطن خود، برای تجلیل از مردگان تابوت‌هایی مشابه زمان‌های قدیم ساخته‌اند.

### پزشکی و مراقبت‌های درمانی

در دوره حکومت استعمار هلند در اندونزی خدمات بهداشتی و درمانی مدرن جهت محافظت از سلامت کارگران مزارع رایج شد. این خدمات بهداشتی و درمانی مدرن با احداث بیمارستان‌ها و مراکز مامایی در شهرها و برخی امکانات بهداشتی در روستاها گسترش یافت. در زمان سوهارتو گسترش بهداشت در بخش سلامت عمومی و برنامه ریزی خانواده بیشتر در روستاها بود و حدود هفت هزار مرکز بهداشت احداث و ۲۰۵۰۰ مرکز درمانی دیگر تا سال ۱۹۹۵ در اندونزی ساخته شد. در جاکارتا نیز در تعدادی از دانشگاه‌های دولتی دانشکده‌های پزشکی ایجاد شده‌اند که البته آموزش‌های پزشکی در آنها به علت ضعف امکانات، چندان گسترده نبود و تحقیقات پزشکی نیز بسیار محدودند. امکانات پزشکی دولت و پزشکان، بیشتر در شهرهای بزرگ واقع شده است. و بیمارستان‌های خصوصی مسیحیان و بنیادهای اسلامی هم بیشتر در همین مناطق احداث شده‌اند. بسیاری از مناطق روستایی در جاوه و به ویژه آنهایی که در جزایر خارجی کشور هستند، خدماتی بیش از واکسن زدن، مامایی و مراقبت از نوزادان و برنامه ریزی خانواده ارائه نمی‌دهند.

روش‌های درمان سنتی هنوز هم در تمام نقاط این مجمع‌الجزایر رواج دارد. درمان گره‌های

جاوه‌ای که "دوکون"<sup>۱</sup> نامیده می‌شوند، با استفاده از انواع گیاهان دارویی و ابزارهای جادوگری خود بسیاری از بیماری‌های بدنی، ذهنی و روحی بیماران را درمان می‌کنند. در منطقه سوماترای شمالی، بعضی از درمان‌گرهای تجربی، شهرت بیشتری دارند، به عنوان مثال، شکسته بندهای کارو<sup>۲</sup> در این منطقه کلینیک‌های بسیاری دارند. گیاهان دارویی که "جامو"<sup>۳</sup> نامیده می‌شوند، بیشتر در خانه‌ها و در مقادیر بالا ساخته می‌شوند. مارک‌های تجاری این گیاهان دارویی در سرتاسر این مجمع‌الجزایر فروخته و کامیون‌های حمل این داروها در مناطق دوردست این کشور نیز دیده می‌شوند.

در بسیاری از مناطق شهری و روستایی اندونزی کاهنان، واسطه‌های معنوی و سایر درمان‌گران دینی هم درمان‌های دینی انجام می‌دهند. بسیاری از مردم اندونزی معتقدند که گناه و قدم اشتباه دینی و یا اجتماعی منجر به بخت بد می‌شود و یکی از آثار آن، بروز بیماری است. درمان‌گرهای سنتی برای درمان بیماری‌ها، منبع آن را تشخیص داده و آن را رفع می‌کنند. بعضی از آنها نیز از روش‌های سحر و جادو برای درمان بیماران بهره می‌گیرند. درمان‌گرهای زن بویس به درمان بیماری‌ها در خانواده‌های اشرافی و غیر اشرافی پرداخته و اغلب برای یافتن ریشه بدشاندی و رفع آن استخدام می‌شوند. در منطقه بالی، پزشکانی که در پزشکی مدرن آموزش دیده‌اند نیز از روش‌های درمان معنوی و روحانی استفاده می‌کنند. در بسیاری از مناطق، جادوگرانی که به کار درمان در این کشور می‌پردازند، محکوم و سرکوب می‌شوند و بیشتر در مواقعی که جامعه به لحاظ اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در بحران و ناآرامی است، رخ می‌دهد.

### مراسم و جشن‌های عمومی

مهم‌ترین مراسم ملی در کشور اندونزی، جشن استقلال کشور در هفدهم آگوست می‌باشد که با برگزاری رژه ویژه این روز در جاکارتا و مراکز استان‌ها و بخش‌های کشور صورت می‌گیرد. مراسم و جشن‌های دیگری که در استان‌های کشور برگزار می‌شوند ریشه فرهنگی یا تاریخی برای مردم همان منطقه دارند و جوانان در این مراسم حضور بسیار فعال دارند. ۲۱ آوریل که به نام "کارتینی"<sup>۴</sup> معروف است، به مناسبت آزادی اولین زن اندونزیایی جشن گرفته می‌شود، در این روز در مدارس و سازمان‌های ویژه زنان، فعالیت‌هایی صورت می‌گیرد. ارتش اندونزی نیز مراسم و جشن‌های ویژه خود را دارد و روز سال نو، اول ماه ژانویه نیز با آتش‌بازی‌های خاص این روز در برخی مناطق کشور جشن گرفته می‌شود. در این روز در بعضی از هتل‌های شهر، مراسم رقص به سبک غربی به مناسبت سال نو اجرا می‌شود. جشن عمومی سال نوی چینی‌ها برای دهه‌های متمادی در این کشور ممنوع بود، اما در سال ۱۹۹۹ این ممنوعیت برداشته شده

<sup>۱</sup> dukun

<sup>۲</sup> Karo

<sup>۳</sup> jamu

<sup>۴</sup> Kartini

و اژدهاهای ویژه سال نو چینی‌ها در این روز در خیابان‌های شهرهای کشور دیده می‌شوند. در گذشته این جشن فقط در خانه‌ها برگزار می‌شد و در عین حال تمام مغازه‌ها برای دو روز بسته بود و ترافیک همیشگی خیابان‌های جاکارتا در این دو روز بسیار سبک می‌شد. جشن‌های محلی زیادی به مناسبت ایجاد شهرها، وقایع تاریخی، روز تولد و یا وفات شخصیت‌های بزرگ و قهرمانان ملی و محلی برگزار می‌شود و بعضی دیگر از مراسم ملی این کشور به مناسبت‌هایی خاص، مثل گاوپازی در منطقه مادورا و راهپیمایی‌های دسته جمعی در سوگیاکارتا یا سورااکارتا برگزار می‌شوند. در منطقه بالی، روز اول سال جدید قمری با گرفتن روزه، خواندن دعا، سکوت و عدم فعالیت، جشن گرفته می‌شود. در این روز تمام مردم - از جمله توریست‌ها - باید در خانه‌ها و در تاریکی بمانند تا ارواح خبیث گمان کنند منطقه بالی خالی از سکنه بوده و آن جا را ترک کنند.

## هنر و علوم انسانی

### ۱. حمایت از هنر

در گذشته‌های دور در منطقه جاوه و بالی دربارهای شاهانه و افراد ثروت مند، حامیان اصلی هنر بودند و سپس نهادهای دیگر نیز به آنها پیوستند. دولت استعماری هلند در سال ۱۷۷۸ جامعه "باتاویا"<sup>۱</sup> را برای حمایت از هنر و علوم ایجاد و بعدها موزه ملی کشور را تاسیس کرد. این دولت هم چنین نهاد بایگانی ملی<sup>۲</sup> را برای حفظ و صیانت از میراث ادبی کشور بنانهاد. در دهه‌های اخیر، موزه‌های فرهنگی - منطقه‌ای با بهره گیری از سرمایه دولت محلی و مرکزی و کمک‌های خارجی ساخته شدند. هنرهای باستانی و نمادهای آن مثل معماری خانه ها، پارچه دوزی، حکاکی روی چوب، کارهای دستی روی طلا و نقره، مجسمه سازی، عروسک سازی و زنبیل بافی در این کشور از گزند بازارهای سیاه خارجی و بین المللی در امان نمانده‌اند.

در سال ۱۹۴۷ کالجی برای معلمان هنر تأسیس شد که در سال ۱۹۵۱ به موسسه فناوری "باندونگ"<sup>۳</sup> تغییر نام یافت. هم چنین در سال ۱۹۵۰ در منطقه یوگیاکارتا آکادمی هنرهای تجسمی و در سال ۱۹۶۸ در جاکارتا موسسه آموزش هنر تأسیس شدند. پیش از این در بسیاری از مناطق کشور آکادمی‌های هنری ایجاد شده بود و در حال حاضر در تمام دانشگاه‌های و بسیاری از مؤسسات تربیت معلم، دانشکده‌های هنر وجود دارند. در مدارس خصوصی نیز موسیقی و رقص آموزش داده می‌شوند. در مناطقی مثل یوگیاکارتا و جاکارتا نیز گالری‌های خصوصی ویژه نقاشان و طراحان پارچه وجود دارد. در آکادمی‌ها و مؤسسات هنر اندونزی، هنرهای سنتی در کنار گونه‌های جدیدتر هنر، مثل تئاتر، موسیقی و رقص، آموزش داده می‌شوند.

### ۲. ادبیات

<sup>۱</sup> Batavia

<sup>۲</sup> National Archive

<sup>۳</sup> Bandung



میراث ادبی کشور اندونزی شامل نسخ خطی نوشته شده روی پوست‌های چند صد ساله درخت خرما، چوب‌های خیزران و سایر پوست‌ها و برگ‌های قدیمی قابل نوشتن است که در مناطق مختلفی، مثل مالای، جاوه، بالی، بوگیس، رجانگ<sup>۱</sup> و باتاک یافت شده‌اند. شعر نوشته شده در قرن چهارم به نام "ناگاراکرتاگاما"<sup>۲</sup> شعری بسیار بلند در مدح پادشاه "هایام وروک"<sup>۳</sup> است و به توصیف ساختار زندگی و شاکله اجتماعی پادشاهی او که "ماجاپاهیت"<sup>۴</sup> نام داشت، می‌پردازد. شعر حماسی "ای لا گالیگو"<sup>۵</sup> که یکی از مردمان بوگیس آن را سروده، ماجراجویی‌های قهرمان فرهنگی آنها، یعنی "ساورینگادینگ"<sup>۶</sup> را دنبال می‌کند و یکی از طولانی‌ترین شعرهای حماسی دنیاست.

در دوران استعمار هلند بعضی از متون ادبی به زبان‌های بومی منتشر می‌شدند که بیشتر این متون به زبان جاوه‌ای بودند، اما نشر این آثار با استقلال کشور اندونزی متوقف شد. اولین انتشارات رسمی ادبی کشور اندونزی انتشارات "بالای پوستاکا"<sup>۷</sup> است که در سال ۱۹۱۷ در باتاوبا تأسیس شده است. فرهنگ ملی اندونزی از طریق زبان مالای-اندونزیایی - که برای بیشتر مردم این کشور قابل فهم است - و روزنامه‌ها، رساله‌های ادبی، شعر، رمان و داستان‌های کوتاه ارائه و گسترش یافته است. تا پیش از استقلال اندونزی، تولید آثار هنری چندان زیاد نبود، اما از دهه ۹۰ به بعد رشد زیادی داشته است. قدمت ادبیات در اندونزی چندان زیاد نیست و به طور مشهودی استفاده از ادبیات به منظور سرگرمی و تعلیم آموزه‌های اخلاقی و علمی هنوز بخشی از فرهنگ مردم عادی شهرهای کشور نشده و در روستاها نیز نقش اندکی در زندگی عموم مردم دارد. در اندونزی تلاش بسیاری برای ریشه کن کردن بی‌سوادی و گسترش آموزش‌های اولیه و ابتدایی صورت گرفته است، اما در بسیاری از مناطق روستایی سواد کاربردی، پیشرفت چندان نداشتی است. در این کشور دانش آموزان و دانشجویان عادت به خرید کتاب‌های آموزشی ندارند و در دانشگاه‌ها نیز بیشتر جزوه‌های نوشته شده بر اساس صحبت‌های اساتید در کلاس‌ها رایج است و کتابخانه‌ها نیز بسیار ضعیف هستند.

منازعات سیاسی میان احزاب چپ و راست کشور در دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ موجب شد نویسندگان این کشور، دیگر جرأت نوشتن نداشته باشند در دهه ۶۰ در اقداماتی هم که علیه کمونیسم صورت گرفت و بسیاری از نویسندگان فعال در سازمان‌های چپ به زندان افتادند. یکی از معروف‌ترین نویسندگان، فردی ملی‌گرا به نام "پراموئدیا آنانتا توئر"<sup>۸</sup> بود که از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۴۹ از سوی دولت استعماری هلند به زندان افتاد. او بین سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۹

<sup>۱</sup> Rejang

<sup>۲</sup> Nagarakrtagama

<sup>۳</sup> King Hayam Wuruk

<sup>۴</sup> Majapahit

<sup>۵</sup> I La Galigo

<sup>۶</sup> Sawerigading

<sup>۷</sup> Balai Pustaka

<sup>۸</sup> Pramoedya Ananta Toer

کتاب‌هایی به سبک داستان برای هم بندهای خود که به جزیره "بورو"<sup>۱</sup> تبعید شده بودند، نوشت. او بعد از تبعید در جاکارتا ساکن شد، اما هم چنان در خانه خود محبوس و تحت کنترل بود. چهار مورد از رمان‌های وی در کتابی به نام "بورو کوآرتت"<sup>۲</sup> بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ در کشور منتشر شد. علاوه بر این، وی اسناد بسیاری نیز در خصوص زندگی مردم در دوره استعمار در منطقه جاوه منتشر کرده است که البته در زمان رژیم سوهارتو انتشار آنها ممنوع بود. کتاب "پرام"<sup>۳</sup> نوشته وی برنده جایزه قلم خودکار آزادی<sup>۴</sup> در سال ۱۹۸۸ و جایزه "ماگسایسای"<sup>۵</sup> در سال ۱۹۹۵ شد. ترجمه کتاب "بورو کوآرتت" وی مورد تحسین منتقدان انگلیسی قرار گرفت و بعد از سقوط رژیم سوهارتو در سال ۱۹۹۹، کتاب "پرام" وارد بازارهای ایالات متحده نیز شد. او تنها رمان نویس اندونزیایی بود که چنین استقبالی را در کشورهای دیگر به خود جلب کرد.

### ۳. هنرهای گرافیکی

مجسمه‌های سنگی دقیق و زیبایی مردم هندو در منطقه جاوه و نیز تابوت‌های سنگی تزیین شده مردم سوماترا، آثار هنری ارزشمند برجای مانده از این مناطق است و در حال حاضر فقط در منطقه بالی، حکاکی روی سنگ همچنان انجام می‌گیرد - این هنر متفاوت از معماری سنگی خانه‌های جاکارتا و ساختمان‌های ملی می‌باشد - در این کشور حکاکی روی چوب در مقایسه با سنگ رواج بیشتری دارد و صنعت کلبه سازی از چوب حکاکی شده در منطقه بالی، به واسطه تندیس‌های ساخته شده از افراد، خدایان و حیوانات که بیشتر آنها بسیار هنرمندانه و بعضی از آنها مبتذل هستند، بازار منطقه‌ای و بین‌المللی خوبی یافته است. رایج ترین بخش‌هایی که در آنها حکاکی روی چوب دیده می‌شود صنعت مبلمان سازی شهری، در جاوه، است که در آن جا مبل‌ها و صندلی‌های تزیین شده با حکاکی فروشی بسیار دارد. حکاکی قدیمی و سنتی آشکال انسان‌ها و حیوانات روی کوه در منطقه باتاک در سوماترا و نیز در دایاک شمالی در کالیمانتان که زمانی بسیار هنری بودند در حال حاضر بیشتر در صنعت توریسم کاربرد دارند. هنوز هم در خانه‌های منطقه توراجا از چوب‌های حکاکی شده استفاده می‌شود و بخش کوچکی از این حکاکی‌ها به توریست‌ها فروخته می‌شوند. تیوب‌های ساخته شده از چوب خیزران که روی آنها حکاکی‌های زیبا نیز کار شده است برای حمل شراب خرما و برنج استفاده می‌شود و ساکنان منطقه شرق اندونزی از این تیوب‌های آراسته شده، برای حمل لیموترش استفاده می‌کنند. در میان هنرمندان معاصر این کشور، نقاشی روی کرباس و نیز طراحی پارچه در مقایسه با مجسمه سازی و پیکر تراشی، رواج بیشتری دارد.

منسوجات ساخته شده در اندونزی در حال حاضر در بسیاری از کشورها شناخته شده اند.

<sup>۱</sup> Buru

<sup>۲</sup> Buru Quartet

<sup>۳</sup> Pram

<sup>۴</sup> PEN Freedom-to-Write Award

<sup>۵</sup> Magsaysay

"باتیک" یک واژه جاوه‌ای به معنای "نقطه" یا "ترسیم با نقطه" و "ایتاک"<sup>۱</sup> نیز کلمه‌ای مالای-اندونزیایی به معنای "گره زدن" است و در مجموع به نوعی از پارچه اطلاق می‌شود که قبل از دوخته شدن، گره خورده و رنگ زده می‌شود. منسوجات باتیک در دربارهای شاهانه و کلبه‌های روستایی تولید می‌شدند و در جاوه و بالی نیز از بزرگ‌ترین صنایع به شمار می‌آمدند که در دهه‌های اخیر، تحولات اقتصادی بسیاری را به خود دیده است. این گونه منسوجات در نوع دوخت، میزان ظرافت، کیفیت پارچه و قیمت کالا تنوع دارند. زنان جاوه ای، سوندانی و بالی در مراسم رسمی کشور دامن‌های تزیین شده و از همین پارچه را می‌پوشند. اخیراً مردان نیز در مراسم عروسی، رقص و یا در حین اجرای نمایش در تئاتر از این گونه لباس‌ها استفاده می‌کنند. پیراهن‌های آستین بلند تولید شده از پارچه باتیک، امروزه پوششی پذیرفته شده در تمام گروه‌های قومیتی است و پوشش رسمی در کشور محسوب می‌شود. در عین حال، یونیفورم‌های ویژه کار، پیراهن‌های تولید شده از پارچه‌های دیگر و کراوات و نیز کت و شلوار غربی از جمله سایر پوشش‌های رسمی در کشور هستند.

#### ۴. هنرهای نمایشی

هنرهای نمایشی در اندونزی بسیار متنوع است و شامل آرکسترهای جاوه‌ای و بالی<sup>۲</sup>، رقص سایه<sup>۳</sup>، آرکستر چوب خیزران سوندانی<sup>۴</sup>، موسیقی آرکستر اسلامی در جشن‌های اسلامی و رویدادهای خانوادگی، رقص خلسه<sup>۵</sup> در جاوه شرقی، رقص نمایشی با شمشیر، رقص میمون در منطقه بالی، رقص عروسک‌های ساخته شده از پارچه باتاک، رقص اسب‌های عروسکی در سوماترای جنوبی، نوازندگی با عود فرنگی در منطقه روتین<sup>۶</sup> و رقص‌های مذهبی و رقص‌های ویژه مراسم خانوادگی می‌شود که در میان مردم بسیاری از گروه‌های قومیتی جزایر خارجی مرسوم هستند. در تمام این هنرها از آلات موسیقی و رسوم محلی بهره گرفته می‌شود و در میان آنها رقص با شمشیر در منطقه بالی و آرکستر چوب خیزران سوندانی از همه پیچیده تر و دشوارتر است. معروف ترین نمایش تئاتر در اندونزی، نمایش عروسک‌های سایه‌ای در منطقه جاوه و بالی است که بر اساس شعر حماسه رامایانا<sup>۷</sup> اجرا می‌شود و چهره‌های برجسته عروسک گردانی آن<sup>۸</sup>، بیش از صدها عروسک برای بازی در آرکسترهای مختلف ساخته اند. در میان تمام مناطق اندونزی، منطقه بالی به تنوع بسیار زیاد در هنرهای نمایشی معروف است. با این که منطقه بالی توریست‌هایی را از تمام کشورها به خود جذب می‌کند و بازیگران و نمایش دهندگان آن در خارج از کشور نیز نمایش اجرا می‌کنند، بیشتر این بازیگران روستاییانی

<sup>۱</sup> itak  
<sup>۲</sup> gamelan  
<sup>۳</sup> wayang  
<sup>۴</sup> angklung  
<sup>۵</sup> reog  
<sup>۶</sup> Rotinese  
<sup>۷</sup> Ramayana  
<sup>۸</sup> dalang

هستند که هنر آنها مکمل کشاورزی آنهاست.

هنر تئاتر، رقص و موسیقی معاصر [ و هنر متاثر از غرب ] در اندونزی بیشتر در جاکارتا و یوگیاکارتا رایج است و در مناطق دیگر کمتر دیده می‌شوند. مرکز ملی هنر "تامان اسماعیل مرزوقی" در منطقه جاکارتا دارای چهار سالن تئاتر، یک استودیوی رقص، یک نمایشگاه، چندین استودیوی موسیقی کوچک و اتاق‌هایی برای مدیران است. در نمایش‌های تئاتر معاصر اندونزی و نیز بعضی از نمایش‌های تئاتری قدیمی، عقاید سیاسی و پیام‌هایی در رابطه با شخصیت‌ها و رویدادهای سیاسی نمایش داده می‌شوند. در زمان رژیم سوهارتو فعالیت شعرا و نویسندگانی، مثل "دابلینو. اس. رندرا"<sup>۲</sup> در جاکارتا کاملاً ممنوع بود. منطقه جاوه دارای تاریخی طولانی از شعراست که اشعاری همچون "صدایی در باد" در انتقاد از حکومت سروده اند.

### علوم طبیعی و اجتماعی

در برنامه‌های پنج ساله دولت اندونزی، توسعه علوم و فن آوری به ویژه علوم پایه و فناوری کاربردی مورد توجه بوده است. در این کشور توسعه علوم پزشکی و بهداشت، کشاورزی و دامپروری، صنایع دفاعی، علوم طبیعی و فناوری کاربردی در اولویت می‌باشند. موسسه علوم اندونزی در سرتاسر این کشور دارای شعبه است. و کتابخانه مرکزی آن هم در جاکارتا قرار دارد و وظیفه اصلی آن، تشویق تحقیقات در تمام زمینه‌های علمی، ایجاد هماهنگی میان موسسات آموزشی و توسعه ملی علوم و فناوری است. در این مؤسسه، تحقیقات خارجی نیز پذیرفته و انجام می‌گیرد. مراکز اصلی آموزش و تحقیق علمی در کشور اندونزی عبارتند از: موسسه تکنولوژی در باندونگ<sup>۳</sup> و موسسه کشاورزی در بوگور<sup>۴</sup> که در دوره استعمار بنا نهاده شده‌اند. و فارغ التحصیلان برجسته‌ای تحویل جامعه اندونزی داده و می‌دهند.

در میان علوم اجتماعی، علم اقتصاد از دهه ۵۰ که "بنیاد فورد"<sup>۵</sup> برنامه‌ای جامع برای آموزش اقتصاددانان خارج از کشور پیاده و اجرا کرد، مورد توجه بوده است. این کارشناسان در دهه‌های اول حکومت سوهارتو از شخصیت‌هایی بسیار مهم بودند و سیاست اقتصادی کشور را در دروه توسعه کشور، از دهه ۷۰ تا اواخر دهه ۹۰، طراحی کردند. در اندونزی گسترش علوم اجتماعی نیز به دلیل نقش و جای گاه مهم آنها در توسعه کشور، در دستور کار دولت قرار دارد. رشته‌هایی، مثل علوم سیاسی و جامعه شناسی در زمان حکومت سوهارتو مورد بی توجهی زیادی قرار گرفت. که علت آن، پتانسیل بالای این علوم و دخالت ویژه آنها در انتقادهای سیاسی و اجتماعی از رژیم "نظم جدید" بوده است.

<sup>۱</sup> Taman Ismail Marzuki

<sup>۲</sup> W. S. Rendra

<sup>۳</sup> Bandung

<sup>۴</sup> Bogor

<sup>۵</sup> Ford Foundation